



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# حقوق مؤمنان

(از دیدگاه حکام پیامبران صل الله علیه و آله و سلم)

امیر اشیم شلیبیهی سیر و مستقانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	پیش گفتار
۱۴	مقدمه
۱۷	۱. معنا و مفهوم حقوق
۱۸	۲. تقسیم بندی حقوق
۲۰	۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم
۲۳	۴. متقابل بودن حقوق
۲۴	۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان
۲۶	۶. عظمت مقام مؤمنان
۲۷	۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان
۲۷	اشاره
۳۰	۱. چشم پوشی و گذشت
۳۲	۲. دست گیری و هم دلی
۳۴	۳. رازداری و خطاپوشی
۳۹	۴. درگذشتن از لغزش
۴۲	۵. پوزش پذیری
۴۴	۶. رد کردن سخنان بدگویان
۴۵	۷. اندرزگویی و خیرخواهی
۴۸	۸. پایداری بر دوستی
۴۸	اشاره
۵۱	خصوصیات دوست خوب

۵۱	حفظ و تداوم دوستی ها
۵۴	۹. وفای به عهد و پیمان
۵۶	۱۰. عیادت و دل جویی
۵۸	۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری
۶۲	۱۲. پذیرش دعوت
۶۵	۱۳. قبول هدایا
۶۸	۱۴. احسان در برابر احسان
۷۰	۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری
۷۲	۱۶. مددکاری و یاری رسانی
۷۲	۱۷. مراقبت و سرپرستی
۸۱	۱۸ و ۱۹. چاره سازی و مشکل گشایی
۸۶	۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه
۸۷	۲۱. راهبری به مقصود
۸۸	۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق
۸۸	اشاره
۹۲	الف) فروتنی
۹۳	ب) خوش زبانی
۹۴	ج) خوش رویی
۹۷	۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری
۹۹	۲۵. پذیرش سوگند
۱۰۱	۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی
۱۰۳	۲۸. خیرخواهی و فریادرسی
۱۰۶	۲۹. همراهی در لحظات بحرانی
۱۰۷	۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی
۱۱۰	سخن پایانی
۱۱۵	کتاب نامه



سرشناسه: شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله / ابراهیم شفیعی سروستانی.

مشخصات نشر: تهران: موعود عصر (عج): صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص.

شابک: ۹۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۹۶۸-۱-۹۶؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۷-۹۶-۷:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۵] - ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- احادیث

موضوع: احادیث اخلاقی

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: مردم (حقوق اساسی) -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۴۸/ش۷ح۷۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۳۱۲۰۱







اعلام سال ۱۳۸۵ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال پیامبراعظم صلی الله علیه و آله فرصت گران قدری برای مرور دوباره بر زندگی، شخصیت، سیره و آموزه های ارزشمند بزرگ مردی است که جهان آفرینش تاکنون کسی را مانند او ندیده و نخواهد دید.

بی تردید، نویسندگان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه در این سال به بررسی موضوع های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از منظر رسول گرامی اسلام خواهند پرداخت و تصاویر تازه و بدیعی از شخصیت آن یگانه دوران در معرض دید جهانیان قرار خواهند داد. در این میان، نکته مهم این است که ما بتوانیم شخصیت و تعالیم پیامبر خاتم را به خوبی به دنیای امروز معرفی کنیم و آموزه های آن حضرت را به عنوان آموزه های جهانی که بشریت بیش از هر زمان دیگر به آنها نیازمند است، مطرح سازیم.

موضوع «حقوق مردم» به طور عام و «حقوق مؤمنان» به طور خاص یکی از موضوع هایی است که با توجه به رویکرد یادشده، پرداختن به آنها در این سال ضروری است. جا دارد که نویسندگان و پژوهشگران حوزوی و

دانشگاهی با جدیت بیشتری به آنها پردازند؛ زیرا در عصر حاضر به دلیل حاکمیت فرهنگ فردگرا و سودمحور غربی بر جهان، روابط اجتماعی به شدت دست خوش آسیب شده و مردم در روابط خود با یکدیگر بیش و پیش از آنکه به حقوق دیگران بیندیشند، به سود و زیان خود فکر می کنند. همین امر سبب شده است که فعالیت های جمعی و مشارکت های اجتماعی کمتر در جوامع شکل گیرد.

جامعه ما نیز از این امر مستثنا نیست و متأسفانه شاهد هستیم که چگونه روابط خانوادگی، ارتباط های دوستانه، مشارکت های اقتصادی و... به دلیل آنکه افراد، حقوق یکدیگر را پاس نمی دارند، و در مدت زمان کوتاهی متزلزل می شود و سرانجام به جد شدن خویشان، دوستان و شرکا از یکدیگر می انجامد.

با توجه به آنچه گفته شد، موضوع های زیر در این کتاب مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است که با بهره گیری از آموزه های پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تصویر روشنی از آنها ترسیم شود:

۱. «حق گرایی» مسلمانان ناشی از «تکلیف گرایی» آنان بوده و آنها به حکم تکلیف الهی موظف به رعایت حقوق دیگران هستند.

۲. در هیچ مکتبی به اندازه اسلام به حقوق مردم توجه نشده است، تا آنجا که حتی آداب ساده اجتماعی مانند پاسخ دادن به سلام یا «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» گفتن هنگام عطسه دیگران به عنوان حقی از حقوق اهل ایمان بر شمرده شده است و همگان موظف به ادای این حقوق شده اند.

۳. تأکید فراوان آموزه های اسلامی بر ضرورت ادای حقوق دیگران و بر شمردن تجاوز به حقوق مردم به عنوان گناهی نابخشودنی، ضامن استقرار روابط سالم اجتماعی و ایجاد جامعه ای متعهد و مسئول است. جامعه ای که در آن همه در برابر هم احساس مسئولیت و تعهد می کنند و هیچ کس خود را

نسبت به دیگران بی اعتنا نمی داند.

امید که در این کتاب توانسته باشیم اهداف پیش گفته را چنان که شایسته است، محقق کنیم و گامی ناچیز در راه تبیین هر چه بیشتر دیدگاه اسلام در زمینه حقوق مردم برداریم.

ابراهیم شفیعی سروسنانی

شعبان ۱۴۲۷ / شهریور ۱۳۸۵

ص: ۵

انسانی که طالب رسیدن به کمال، سعادت و نیک بختی در این دنیا است، باید به راهی که انبیای بزرگوار الهی بدان دعوت کرده اند، قدم نهد و به دستورهای آنان که در حقیقت، برنامه رشد و کمال انسان است، عمل کند. در این مسیر، مکتب حیات بخش اسلام در رأس همه ادیان و پیامبر عظیم الشان آن در صدر سلسله انبیا، کامل ترین، روشن ترین و بهترین برنامه ها را برای انسان ها آورده است؛ برنامه هایی که در عین سادگی و راحتی، انسان را به بهترین شیوه از سقوط و تباهی حفظ می کند و به رشد و تعالی می رساند.

بهترین شاهد ما بر این مدعا، کسانی هستند که در مدتی کوتاه، در دامن این مکتب به چنان مقام والای انسانی رسیدند که تا همیشه تاریخ الگوی بشریت خواهند بود. کسانی چون ابوذر غفاری، سلمان فارسی، میثم تمار و بسیاری کسان دیگر که از چشمه سار زلال اسلام ناب محمدی، سیراب شدند و در پرتو عمل به برنامه ها و احکام الهی این مکتب، از آغاز بعثت تاکنون، یکی پس از دیگری، جاده کمال و تعالی را به سرعت پیمودند و به اوج رستگاری رسیدند.

این همه نبوده است مگر به دلیل اینکه خداوند تبارک و تعالی با شناخت دقیق انسان، تمامی آنچه را برای رشد و ترقی او لازم و ضروری بوده، در آیین اسلام بیان کرده است. خواه اعمالی که انسان باید آنها را ترک کند و صفاتی که باید آنها را از خود دور سازد و خواه کارهایی که آدمی باید آنها را

انجام دهد و ویژگی هایی که می بایست خود را به آنها بیاراید.

برنامه اسلام برای کمال انسان، در درجه اول، مجموعه ای از تکالیف است که اگر انسانی موفق به انجام کامل آنها شود؛ یعنی واجبات را چنان که باید، انجام دهد و از گناهان و محرمات آنچنان که خواسته شده است، دوری جوید، به مرتبه والای تقوا و عبودیت خواهد رسید. نبی گرامی اسلام فرمود:

إِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ. (۱)

به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزکارترین مردم باشی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

الْمُتَّقِيُّ مِنَ اتَّقَى الذُّنُوبِ. (۲)

پرهیزکار کسی است که از گناهان دوری گزیند.

بنابراین، رسیدن به مقام متقین که برترین مقام انسان است، جز با عمل به آنچه خداوند امر کرده (اوامر) و دوری جستن از آنچه او نهی کرده (نواهی)، امکان پذیر نیست. البته نباید از نظر دور داشت که این اوامر و نواهی، زمانی جنبه فردی دارد و تنها به رابطه انسان با خدای خویش مربوط می شود، مانند وجوب نماز یا حرمت شراب. زمانی نیز جنبه اجتماعی دارد و

ص: ۷

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۴، ج ۷۱، ص ۱۹۶، ح ۴.

۲- عبدالوهاب بن محمد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: شرح جمال الدین محمد خوانساری، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۹، ح ۱۸۷۱.

مشخص کننده حقوق و تکالیفی است که افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دارند. اعم از مواردی که مربوط به شیوه ارتباط، رفتار و گفتار ما با دیگران می شود یا مواردی که وظایف و تکالیف هر یک از ما را در مقابل افراد اجتماع مشخص می کنند. از دسته اول با عنوان «اخلاق فردی» و از دسته دوم با عنوان «اخلاق اجتماعی» یاد می شود.

در اخلاق اجتماعی به طور مشخص از حقوق و تکالیفی بحث می شود که اهل ایمان نسبت به یکدیگر دارند و موظفند که در مقابل دوستان، همکاران، نزدیکان و به طور کلی، مردم پیرامون خود، آنها را رعایت کنند.

در این کتاب، در پی بیان این حقوق و تکالیف هستیم، ولی قبل از پرداختن به بیان یکایک این حقوق و وظایف اجتماعی لازم است که مختصری در مورد مبانی این حقوق و آنچه ما را در مقابل افراد اجتماع خود و دیگر هم نوعان، مسئول و متعهد می سازد، صحبت کنیم؛ زیرا این موضوع، ریشه و منشأ آن حقوق و تکالیف به شمار می آید و بدون توجه به آن، الزامی برای عمل به مسئولیت های اجتماعی وجود نخواهد داشت.



## ۱. معنا و مفهوم حقوق

### ۱. معنا و مفهوم حقوق

«حقوق» در زبان فارسی در معانی مختلفی به کار می رود که مهم ترین آنها عبارتند از: جمع حق؛ (۱) علمی که از قوانین موضوعه بحث می کند؛ (۲) اجرت کار کارمند دولت. (۳)

آنچه در این کتاب از این کلمه اراده شده، همان معنای نخست یعنی جمع حق است. حق نیز در معانی لغوی و اصطلاحی مختلفی به کار رفته که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

#### ۱-۱. معنای لغوی حق

حق در زبان عربی و فارسی معانی متعددی دارد و در موارد فراوانی به کار برده می شود که از آن جمله است: راست، درست (در مقابل باطل)، راستی، درستی، حقیقت، یقین، عدل، داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، سزاواری، شایستگی، ملک، مال، خدای تعالی و ... (۴)

ص: ۹

۱- در زبان انگلیسی برای این معنا از حقوق از واژه «Right» استفاده می شود.

۲- حقوق در این معنا در زبان فارسی پیشینه ندارد و ترجمه کلمه «Law» در زبان انگلیسی است.

۳- ر.ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۶۸، ص ۲۳۰.

۴- ر.ک: محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۷۹-۸۰، علی اکبر دهخدا، لغت نامه، چاپ اول از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۶، صص ۹۱۴۲-۹۱۴۳؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۶۳.

در اصطلاح فقها، حق را این گونه معنا کرده اند:

حق عبارت است از سلطنت شخصی بر دیگری، خواه این دیگری، شخصی باشد، خواه چیزی دیگر مانند مال. (۱)

به بیان دیگر، می توان گفت حق عبارت از امتیاز، قدرت یا اختیاری است که از سوی شرع یا قانون به کسی داده می شود تا بر اساس آن بتواند در چیزی تصرف کند یا انجام کاری را از دیگری بخواهد. (۲)

## ۲. تقسیم بندی حقوق

### ۲. تقسیم بندی حقوق

در اصطلاحات فقهی، حق به اعتبارهای گوناگون تقسیم بندی می شود که یکی از آنها به اعتبار صاحب حق است. بر این اساس، حق به «حق الله» (حق خداوند) و «حق الناس» (حق مردم) تقسیم می شود.

حق الله، حقی است که برای خداوند به اعتبار خالقیت، ربوبیت و ولایت او بر کل هستی ثابت شده است. این حق اصالت دارد و بندگان نه در جعل و اثبات و نه در اسقاط آن نقشی ندارند. بر خلاف حق الناس که خداوند جعل کرده است و بندگان امکان اسقاط آن را دارند.

حق الناس، حقی است که شارع مقدس آنها را برای مردم جامعه در نظر گرفته است. این حق معمولاً قابل نقل، انتقال و اسقاط است. (۳)

ص: ۱۰

- 
- ۱- شیخ محمدهادی تهرانی، «رساله حق و حکم»، تصحیح نعمت الله صفری، نامه مفید، سال اول، ش چهارم، زمستان ۱۳۷۴؛ سیدمحمد آل بحرالعلوم، بلغه الفقیه، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ق، بلغه الفقیه، ج ۱، ص ۱۳.
  - ۲- البته باید توجه داشت که این تعریف تنها درباره حق مردم صادق است نه حق خداوند؛ زیرا حق خداوند را کسی جعل نکرده و برای او بالاصاله ثابت است.
  - ۳- ر.ک: «رساله حق و حکم».

برخی در تعریف «حق الناس» چنین گفته اند:

حقی است که آن را قانون گذار برای فرد خاص یا افراد به خصوصی قرار داده است تا در پرتو آن، به منافع منظور دست یابند. (۱)

شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد در بیان تفاوت حق الله و حق الناس چنین می نویسد:

مقصود از حق خداوند اوامر اوست که بر طاعتش دلالت می کند، یا خود طاعت اوست؛ بدین جهت که اگر امر نباشد، عبادت مصداق «حق الله» قرار نمی گیرد. نتیجه سخن مزبور اینکه «امر» همان «حق الله» است؛ زیرا حقوق بندگان که مکلف به رعایت آن هستند، چون از جانب خداوند به ایشان امر شده \_ خواه معامله باشد، خواه امانت یا حد یا قصاص یا دیه و غیر اینها \_ مشتمل بر «حق الله» است. بنابراین، حق خداوند بدون حق بنده وجود دارد، مانند امر به نماز، اما حق عبد بدون حق خداوند متعال وجود ندارد.

قاعده در این امور چنین است که هر جا بنده بتواند چیزی را اسقاط کند، آن «حق الناس» است و آنچه را نمی تواند، «حق الناس» نیست؛ مانند حرمت ربا و حرمت بیع غرری که اگر متعاقبین رضایت دهند، چون حق خداوند متعال به آنها تعلق گرفته است، مباح نمی شود. و نیز حرمت دزدی و غصب برای محافظت مال، حرمت نسبت زنا برای حفظ آبرو، حرمت زنا برای حفظ نسب و حرمت قتل و جرح برای حفظ نسب و حرمت قتل و جرح برای حفظ نفس که رضایت مکلف در آنها لحاظ نمی شود. (۲)

ص: ۱۱

- 
- ۱- سیدابوالفضل موسویان، ماهیت حق، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲، ص ۸۱.
  - ۲- محمد بن مکی العاملی شهید اول، القواعد و الفوائد، قم، مکتبه المفید، ج ۲، ص ۴۲، قاعده ۱۶۱.

خلاصه سخن اینکه حق خداوند یا متعلق به امور عبادی، مانند نماز، روزه، خمس، زکات و... است که در آنها جایی برای طرح حق بندگان وجود ندارد یا متعلق به امور غیر عبادی مانند معاملات و مجازات های شرعی است که در آنها اگرچه بندگان به عنوان طرفین معامله یا طرفین دعوا مطرح هستند، ولی رضایت و توافق آنها هیچ تأثیری در اسقاط حق و در نتیجه حلال شدن معامله ربوی، حایز شدن خرید و فروش مال حرام، برداشته شدن مجازات زنا یا سقوط حد سرقت ندارد. در حق مردم، زمام امر تنها به دست صاحب حق است و اوست که می تواند حق خود را اسقاط کند یا از گناه کسی که به حق او تجاوز کرده یا حق او را تضييع کرده است، بگذرد.

در این زمینه در بخش های بعدی بیشتر سخن خواهیم گفت.

### ۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم

#### ۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم

همان طور که خداوند حق خویش را بر ما واجب کرده و در مقابل نعمت های بی شماری که بر ما ارزانی داشته، اطاعت و بندگی خود را لازم کرده است؛ ما را به ادای حقوق دیگر برادران و خواهران خود موظف دانسته و بر ما واجب کرده است که مسئولیت ها و وظایفی را که در مقابل هم نوعان خود داریم، رعایت کنیم. به عبارت دیگر، انسانی که اطاعت خداوند را بر خود واجب شمرده و خود را موظف می داند وظایف و تکالیفی را که خالق و ولی نعمت او برایش مقرر داشته است، به جای آورد، تکالیف و مسئولیت های اجتماعی را نیز بر خود واجب می داند؛ زیرا همین خالق، او را در مقابل افراد اجتماع نیز مسئول دانسته و مکلف داشته است که به عنوان اطاعت از پروردگار خود، به وظایفی که در مقابل بندگان خدا دارد، عمل کند.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که:

جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً عَلَى حُقُوقِهِ، فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ

اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيَا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ. (۱)

خداوند سبحان، حقوق بندگانش را بر حقوق خویش مقدم داشته است. پس هر کس که حقوق بندگان خدا را به جا آورد، همین امر سبب می گردد که او حقوق خداوند را نیز به جا آورد.

آن حضرت در بیانی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ -حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ وَ أَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ وَ فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا، وَ شَدَّدَ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا. فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ. (۲)

خداوند، چیزهایی را که بر شما ناشناخته نیست، حرام کرده و چیزهایی را که در آنها عیبی نیست، بر شما حلال کرده و حرمت مسلمان را از هر حرمتی برتر داشته و حقوق مسلمانان را به اخلاص و یکتاپرستی پیوند داده است. پس مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند، مگر پای حق در میان باشد که گزند بر مسلمان جز در موردی که واجب باشد، روا نیست.

در جای دیگر نیز می فرماید:

قَضَاءُ حُقُوقِ الْأَخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ. (۳)

ادای حقوق برادران ایمانی [و عمل به وظیفه خود در مقابل آنها]، برترین و ارزشمندترین اعمال پرهیزکاران است.

ص: ۱۳

۱- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲- نهج البلاغه امام علی بن ابی طالب، گردآوری: شریف رضی، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائب، ۱۳۸۴، خطبه ۱۶۶، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۹، ح ۲۵.

با توجه به این احادیث روشن می شود که چگونه مکتب حیات بخش اسلام که در صدد تشکیل جامعه ای نمونه برآمده، میان رابطه فرد با خدای خود از یک سو و رابطه فرد با بندگان خدا از سوی دیگر، پیوستگی و ارتباط ایجاد کرده است تا بدانجا که انجام مسئولیت های اجتماعی از ارزشمندترین اعمال اهل تقوا برشمرده شده است. حتی پا را از این فراتر می گذارد و کسی را که مسئولیت های اجتماعی خود را نادیده می گیرد و حقوق برادران و خواهران ایمانی اش را پاس نمی دارد، سبک شمارنده دین خدا دانسته است. در کلامی از امام صادق علیه السلام آمده است:

مَنْ عَظَمَ دِينَ اللَّهِ عَظَمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِدِينِهِ اسْتَحَفَّ بِإِخْوَانِهِ. (۱)

هر کس دین خدا را بزرگ بشمارد، حق برادرانش را نیز بزرگ می شمارد و کسی که دین خدا را سبک می شمارد، [حق] برادرانش را هم سبک می شمارد.

بنابراین، انسان نمی تواند نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کند و افرادی که پیرامون او هستند، بی اعتنائی کند و تنها صلاح و مصلحت خود را در نظر داشته باشد؛ زیرا شرط ایمان و پای بندی به دین خدا، تلاش در جهت ادای تکالیف و مسئولیت هایی است که آدمی نسبت به دیگران برعهده دارد. همین تلاش، بهترین عبادتی است که بنده می تواند در درگاه خداوند داشته باشد. چنان که امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ. (۲)

خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است.

ص: ۱۴

۱- همان، ص ۲۸۷، ح ۱۳.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۷۰.

در جایی دیگر نیز تصریح می فرماید:

قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَلَخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ أَلَطْفُهُمْ بِهِمْ، وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ. (۱)

خدای \_ عزوجل \_ فرمود: آفریدگان همه روزی خوار [تحت سرپرستی] من هستند. پس هر کس به آنها بیشتر رسیدگی و ملاحظت کند و در رفع نیازمندی های آنها بیشتر بکوشد، نزد من عزیزتر و دوست داشتنی تر است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ وَ أَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا. (۲)

آن کس در پیشگاه خداوند دارای بالاترین جایگاه ها خواهد بود که حقوق مردم را بیشتر بشناسد و آنها را بهتر پاس دارد.

#### ۴. متقابل بودن حقوق

۴. متقابل بودن حقوق

یکی از نکته های مهمی که در آموزه های اسلامی بر آن تأکید شده، ارتباط متقابل حقوق مردم است. به این بیان که اگر کسی بر برادر یا خواهر مؤمن خود حقی دارد، آن برادر و خواهر مؤمن نیز به طور متقابل بر او حق دارند. به بیان دیگر، همه حقوق، دو طرفه اند و تنها خداوند متعال به صورت یک طرفه بر مردم حق دارد.

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

وَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصِفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصِفِ، لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ

ص: ۱۵

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۶، ح ۱۱۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷، ح ۱.

إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ، وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ، لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَزَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ. (۱)

حق در عرصه وصف، گسترده ترین اشیا و در مرحله انصاف، دقیق ترین و تنگ ترین امور است. کسی را بر دیگری حقی نیست جز آنکه دیگری را نیز بر او حقی خواهد بود (و برعکس). کسی که بر همگان حق دارد و هیچ کس را بر او حقی نیست، خدای تعالی است، نه غیر او؛ زیرا اوست که احاطه قدرت بر بندگان دارد و عدالتش در هر چه قضایش بر آن روان گردد، جاری است.

بنابراین، هرگز نباید انتظار داشت که دیگران حقوق ما را رعایت کنند، بی آنکه خود در پی رعایت حقوق آنها باشیم.

## ۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان

۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان

امام علی علیه السلام در بیانی بسیار زیبا با تقسیم بندی ستم به سه دسته، ستم و تجاوزی را که نسبت به دیگران روا داشته می شود، گذشت ناپذیر می داند. متن کامل سخنان آن حضرت به این شرح است:

أَلَا وَ إِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ، وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطَلَبُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» (۲) وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ. وَ

ص: ۱۶

۱- نهج البلاغه، ص ۲۶۷، خطبه ۲۰۷.

۲- سوره نساء ۴، آیه ۴۸.



أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا. (۱)

بدانید که ستم سه گونه است: ستمی که هرگز آمرزیده نشود و ستمی که بازخواست گردد و ستمی که بخشوده است و بازخواست نشود. آن ستمی که هرگز آمرزیده نشود، شرک به خداست. خدای تعالی گوید: «همانا خداوند، کسی را که به او شرک ورزد؛ نمی بخشاید». ستمی که آمرزیده شود، ستم بنده است به خود به ارتکاب برخی کارهای ناشایست و ستمی که بازخواست می شود، ستم کردن مردم به یکدیگر است.

امام سجاد علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

يَغْفِرُ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ كُلِّ ذَنْبٍ وَيُطَهِّرُهُ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا خَلَا ذَنْبَيْنِ: تَرْكُ التَّقِيَّةِ وَتَضْيِيعُ حُقُوقِ الْأَعْيَانِ. (۲)

خداوند، تمامی گناهان اهل ایمان را می بخشد و ایشان را در دنیا و آخرت از گناهانشان پاک می سازد، مگر دو گناه؛ یکی، ترک تقیه (رازداری) و دیگری، از بین بردن حقوق برادران ایمانی.

بنابراین، باید بسیار مراقب بود و تلاش کرد که حقوق برادران و خواهران ایمانی مان را در همین دنیا ادا کنیم و اگر خدای ناکرده به حقی از حقوق آنها تجاوز کرده ایم، تا فرصت داریم از آنها طلب بخشایش کنیم؛ چرا که فردا بسیار دیر است و امکانی برای جبران وجود ندارد.

ص: ۱۷

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۲۲۸.

۲- محمد بن حسن حر العاملی، وسایل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۱، ص ۴۷۴، ح ۶.

در آموزه های اسلامی، انسان مؤمن از جایگاه و مرتبه بسیار والایی برخوردار بوده و برهیچ چیز به اندازه رعایت حقوق مؤمنان تأکید نشده است، تا آنجا که در برخی روایات، حرمت مؤمن از حرمت کعبه نیز بالاتر دانسته شده است.

در روایتی که در همین زمینه از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است، چنین می خوانیم:

رُوي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ: مَرَحَبًا بِأَبْنَيْتِ مَا أَعْظَمَ كِ وَ أَعْظَمَ حُرْمَتَيْكَ عَلَى اللَّهِ!؟ وَ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَ مِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً: مَالَهُ وَ دَمَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السَّوَاءِ. (۱)

روایت شده است که پیامبر خدا نگاهی به کعبه کرد و فرمود: آفرین بر تو ای خانه [خدا]، چه عظمتی داری و چقدر حرمت تو در پیشگاه خدا عظیم است؟! [اما] سوگند به خدا که حرمت مؤمن از تو عظیم تر است؛ زیرا خداوند، تو را تنها از یک جهت محترم داشته است، ولی مؤمن را از سه جهت: مال او، خون او و اینکه به او گمان بد برده شود.

از امام صادق علیه السلام نیز روایتی به همین مضمون نقل شده است. (۲)

پیامبر اعظم در روایتی دیگر شأن و مرتبه مؤمن را چنین توصیف می کند:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعْرَفُ فِي السَّمَاءِ كَمَا يُعْرَفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَ وُلْدَهُ، وَ إِنَّهُ لَأَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَلِكٍ مُقْرَبٍ. (۳)

ص: ۱۸

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۱، ح ۳۹.

۲- ر.ک: همان، ص ۷۱، ح ۳۵ و ج ۶۸، ص ۱۶، ح ۲۱.

۳- همان، ج ۶۸، صص ۱۸ و ۱۹، ح ۲۶.

به حقیقت، مؤمن در آسمان شناخته شده است، همچنان که مرد، خانواده و فرزندان را می شناسد و همانا او نزد خداوند از فرشته مقرب نیز گرامی تر است.

در برخی روایات نیز آمده است که خداوند هیچ کس را به اندازه بنده مؤمنش دوست ندارد(۱) و هر کس مؤمنی را بیازارد، به جنگ با خدا برخاسته است.(۲)

روایات یاد شده، ما را به شأن و مرتبه مؤمنان در پیشگاه خداوند و در نتیجه، اهمیت حفظ حقوق آنان آگاه می سازد و بیش از پیش ما را نسبت به رعایت حقوق برادران و خواهران مؤمن خود یادآور می شود.

## ۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان

### اشاره

۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان

حقوق مؤمنان در آموزه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، جایگاه و نقش ویژه ای داشته و آن حضرت با دقت و ظرافت تمام، همه مصادیق و موارد این حقوق را مورد توجه قرار داده است. تا آنجا که به جرأت می توان گفت همه آنچه را مؤمنان در روابط خود با دیگران باید رعایت کنند، به عنوان حقی از حقوق مؤمنان در آموزه های نبوی مورد توجه قرار گرفته است.

از این رو، در این کتاب، ابتدا مصادیق و موارد مختلف حقوق مؤمنان بر مبنای روایات آن حضرت به طور اجمالی بیان شده و در ادامه، این مصادیق و موارد با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام، تبیین و تشریح گردیده است.

محور اصلی مباحث این کتاب، روایتی است که در کتاب شریف وسائل الشیعه، از پیامبر گرامی اسلام، نقل شده و در آن، به سی حق از مهم ترین و اساسی ترین

ص: ۱۹

۱- ر.ک: همان، ج ۷۱، ص ۱۵۸، ح ۷۵.

۲- ر.ک: همان، ج ۶۷، ص ۷۱، ح ۳۶.

حقوقی که هر مسلمان نسبت به دیگر هم کیشان خود دارد، اشاره شده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لِابْتِرَاءِ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ: يَغْفِرُ زَلَّتَهُ، وَبِرَحْمِ عِبْرَتَهُ، يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، يُقِيلُ عَثْرَتَهُ، وَيَقْبَلُ مَعِيدَتَهُ؛ وَيُرْدُ غِيْبَتَهُ، وَيُدِيمُ نَصِيحَتَهُ، وَيَحْفَظُ خُلَّتَهُ، وَيَرْعَى ذِمَّتَهُ؛ وَيَعُودُ مَرَضَتَهُ؛ وَيَشْهَدُ مَيْتَتَهُ، وَيُجِيبُ دَعْوَتَهُ، وَيَقْبَلُ هِدْيَتَهُ، وَيُكَافِي ضَلَّتَهُ، وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ، وَيُحْسِنُ نُصِيحَتَهُ، وَيَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ، وَيَقْضِي حَاجَتَهُ، وَيَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ، وَيَسْمَتُ عَطْسَتَهُ، وَيُرْشِدُ ضَالَّتَهُ، وَيُرْدُ سَلَامَتَهُ، وَيَطِيبُ كَلَامَهُ، وَيُبْرِئُ إِنْعَامَهُ، وَيُصَدِّقُ أَقْسَامَهُ، وَيُوَالِي وُلِيَّهٖ وَلا يُعَادِي [وَيُعَادِي عُدُوَّهُ (۱)] وَيَنْصِرُهُ ظَالِمًا وَمَظْلُومًا، وَأَمَّا نُصِيحَتُهُ ظَالِمًا فَيُرْدُهُ عَنْ ظُلْمِهِ، وَأَمَّا نُصِيحَتُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى أَخْذِ حَقِّهِ، وَلا يُسْلِمُهُ، وَلا يَخْذُلُهُ، وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ، وَيَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا فَيَطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُقْضَى لَهُ وَعَلَيْهِ. (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمان بر برادر مسلمان خود سی حق دارد که براثت ذمه از این حقوق حاصل نمی شود مگر با ادا کردن آنها یا گذشت صاحب حق.

[۱] خطاهای او را ببخشد؛ [۲] بر سرشک او ترحم کند؛ [۳] عیوبش را ببوشاند؛ [۴] از لغزش او درگذرد؛ [۵] پوزش او را بپذیرد؛ [۶] بدگویی هایی را که درباره او می شنود، رد کند؛ [۷] پیوسته اندرز گو و

ص: ۲۰

۱- در مأخذ اصلی نقل این حدیث کنز الفوائد عبارت به این گونه آمده است.

۲- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵، ح ۲۴، به نقل از: محمد بن علی الکرّاجکی، کنز الفوائد، ص ۱۴۱.

خیرخواه او باشد؛ [۸] بر دوستی او ثابت قدم باشد؛ [۹] بر عهد و پیمانی که با او دارد، وفادار بماند؛ [۱۰] به هنگام بیماری او به دیدارش برود؛ [۱۱] در تشییع جنازه اش حاضر شود؛ [۱۲] دعوت او را اجابت کند؛ [۱۳] هدیه اش را بپذیرد؛ [۱۴] نیکی و احسان او را پاسخ گوید؛ [۱۵] قدرشناس نعمت او باشد؛ [۱۶] او را به نیکویی یاری کند؛ [۱۷] همسر و خانواده او را سرپرستی کند؛ [۱۸] نیازمندی او را برآورده سازد؛ [۱۹] به درخواست او پاسخ گو باشد؛ [۲۰] در هنگام عطسه [یا گفتن جمله «یرحمک الله»] برای او دعا کند؛ [۲۱] او را در یافتن گم شده اش راهنمایی کند؛ [۲۲] سلامش را پاسخ گوید؛ [۲۳] با او به خوبی صحبت کند؛ [۲۴] لطف و احسان او را ارج نهد؛ [۲۵] سوگندهای او را تصدیق کند؛ [۲۶] با دوست او دوستی کند؛ [۲۷] با او به دشمنی برنخیزد [یا دشمنان او دشمنی کند]؛ [۲۸] او را در هر حال یاری کند، خواه ستمگر باشد و خواه ستم دیده، اما یاری او در حالی که ستم می کند، به این است که او را از ستم بر حذر دارد و اما یاری او در حالی که مورد ستم واقع شده، به این است که او را در گرفتن حقش یاری کند؛ [۲۹] او را به حال خود وامگذارد و از یاری اش فروگذاری نکند؛ [۳۰] آنچه از خوبی ها برای خود می پسندد، برای او هم پسندد و آنچه از بدی ها که برای خود نمی پسندد، برای او نیز نپسندد.

سپس امام علی فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که آن حضرت می فرمود: در روز قیامت، برادر مسلمان شما که حقی از حقوق او را ادا نکرده اید، در پیشگاه خداوند، حق خود را مطالبه می کند و خداوند نیز به نفع او و به ضرر شما حکم خواهد کرد.

پس از شناخت اساس و مبنای مسئولیت های اجتماعی و درک این موضوع که رعایت حقوق دیگر افراد جامعه، وظیفه ای الهی و از لوازم ایمان و تقوا است، به

بیان حقوقی می پردازیم که اهل ایمان نسبت به هم دارند.

و همچنین آشنایی اجمالی با حقوق سی گانه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رعایت آنها را بر همه مسلمانان لازم دانسته اند، به بررسی تفصیلی این حقوق می پردازیم.

باشد تا با شناخت این حقوق، متوجه تعهدات و مسئولیت های سنگینی گردیم که هر یک از ما در مقابل افراد جامعه خود داریم و بتوانیم با ایفای این تعهدات، گامی در راه نیل به تقوا و مراتب کمال انسانی برداریم.

## ۱. چشم پوشی و گذشت

### ۱. چشم پوشی و گذشت

«يَعْفُو زَلَّتْهُ؛ خطاهای او را ببخشد».

یکی از حقوقی که هر مسلمان باید نسبت به برادران و خواهران مسلمان خود رعایت کند، این است که اگر لغزش و خطایی از یکی از آنها سر زد، مثلاً در حق او بی احترامی کرد یا نسبت به او رفتار ناشایستی داشت و به طور خلاصه آن گونه که سزاوار بود، با او رفتار نکرد؛ در کمال بزرگواری، از این خطا و کوتاهی او بگذرد و آن را نادیده بگیرد، نه اینکه درصدد مقابله به مثل برآید.

این گذشت و چشم پوشی از اوصاف انبیا و اولیا و انسان های کریم است. مولا علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ. (۱)

بدترین مردم کسی است که از لغزش های دیگران در نمی گذرد و عیوب دیگران را نمی پوشاند.

بعضی ها گمان می کنند که اگر هنگام قدرت داشتن بر انتقام و مقابله به مثل،

ص: ۲۲

از کسی که نسبت به آنها خطایی مرتکب شده است، بگذرند، شخصیتشان خدشه دار می شود. این تفکر ناشی از وسوسه های شیطان برای گسترش کینه و عداوت میان خواهران و برادران مسلمان است؛ چراکه این عمل نه تنها حاکی از ضعف و زبونی کسی نیست، بلکه نشان دهنده کمال شخصیت و بزرگواری فرد است، چنان که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفُوا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ <sup>(۱)</sup>

بر شما باد که عفو پیشه کنید؛ زیرا این کار سبب افزایش عزت بنده می گردد. پس از خطاهای یکدیگر در گذرید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

بنابراین، گذشت و نادیده گرفتن خطای دیگران، نه تنها کسی را کوچک نمی کند، بلکه مایه افزایش عزت و شرافت شخص می شود. از اینها گذشته، کسی که در این دنیا از لغزش ها و اشتباه های دیگران در گذرد، خداوند نیز در روز قیامت از خطاهای او چشم پوشی می کند و آنها را نادیده می گیرد. قرآن کریم، بخشایش مردم را مقدمه آمرزش خداوند می داند و می فرماید:

... وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ <sup>(۲)</sup>

... و باید عفو و گذشت کنند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

پس همواره بکوشید در محل کار، میان دوستان، محیط خانه و در برخورد با اطرافیان، بیشتر گذشت داشته باشید و از بدی های دیگران در گذرید تا هرچه بیشتر فضای صمیمیت و دوستی در جامعه و محیطی که زندگی می کنید، حکم فرما شود. مخصوصا اگر مسئولیتی برعهده دارید و

ص: ۲۳

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۰۱، ح ۵.

۲- سوره نور ۲۴، آیه ۲۴.

چشم کسانی به رفتار شما دوخته شده است، می بایست بیش از همه از این خصلت برخوردار باشید تا بتوانید برای دیگران نیز الگو باشید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که الگو و اسوه همه بشریت است، در بالاترین مرتبه گذشت و بخشش بود و حتی آن زمان که قدرت یافت، نسبت به سرسخت ترین مخالفان و دشمنان خود نیز گذشت و بزرگواری کرد.

آن حضرت در روز فتح مکه با اعلام عفو عمومی، خانه ابوسفیان، دشمن کینه توز خود را محل امن قرار داده و فرمود که هر کس به این خانه درآید، در امان من است. ایشان در آن زمان بیش از هر زمان دیگر قدرت داشت که از دشمنان خود انتقام بگیرد، ولی از این کار چشم پوشید تا رفتار ایشان سرمشقی برای امت اسلام باشد.

## ۲. دست گیری و هم دلی

### ۲. دست گیری و هم دلی

«يَرْحَمُ عَبْرَتَهُ؛ بر سرشک او ترحم کند».

در زندگی هر کس لحظاتی پیش می آید که فرد به حال درماندگی و ضعف کامل می رسد. مصیبت ها و گرفتاری ها چنان بر انسان فرود می آیند که قدرت هر کاری را از او سلب می کنند و به قول خودمان دستش از همه جا کوتاه می شود. گاهی ممکن است در اوج درماندگی و نومییدی بر بی پناهی خود به گریه بنشینند. در چنین لحظاتی، خواهران و برادران مسلمان باید احساس مسئولیت کنند و درصدد دلداری و تسلی خاطر برادر و خواهر گرفتار خویش برآیند و با رفع عوامل ناراحتی و گرفتاری های او، غم و اندوه را از دلش بزدایند. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این بیان زیبا و تمثیلی که: «مؤمن باید بر اشک های برادر مؤمن خویش ترحم کند»، این حق را برای هر یک از مؤمنان نسبت به دیگر برادران مؤمن خود ثابت دانسته است که در زمان گرفتاری،



دست گیر یکدیگر بوده و از بی تفاوتی نسبت به حال هم برحذر باشند.

در فضیلت و ارزش این هم دلی و مساعدت، همین یک حدیث بس که امام صادق علیه السلام از جد بزرگوارش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

مَنْ أَغَاثَ لَهْفَانَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَغَاثَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ وَ أَمَنَهُ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ وَ أَمَنَهُ عَنِ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ. (۱)

هر کس به فریاد دردمندی از مؤمنان برسد، خداوند در روز قیامت که پناهگاهی جز او نیست، از وی دست گیری می کند و از عظیم ترین ترس در روز قیامت امان می دهد و او را از بدسرانجامی نگاه می دارد.

پس اگر خواهان یاری و دست گیری خداوند در روز بازپسین و نجات یافتن از گرفتاری های هولناک جهان آخرت هستیم، باید که در این دنیا، بندگان خدا را یاری دهیم و آنان را دست گیری کنیم. چنان که مولانا فرمود:

اشک خواهی رحم کن بر اشک یار

رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر

اگر شما به عنوان مسئول یا حتی کارمند و مأموری ساده در اداره یا سازمانی مشغول خدمت هستید و انسانی در مانده و گرفتار برای حل مشکل خویش به شما رو می آورد و از شما استمداد می جوید، شرط انصاف نیست که از کنار او بی اعتنا بگذرید و همت خود را صرف رفع مشکلات او نکنید.

در چنین مواقعی باید فکر کنید که جدا از مسئولیت های رسمی و اداری، وظیفه دارید به عنوان رعایت حقوق برادر مسلمان خود به یاری او بشتابید و

ص: ۲۵

جویای حال او باشید و به هر صورت ممکن، مشککش را حل کنید که چه زیبا سروده است:

صدها فرشته بر آن دست بوسه می زنند

کز کار خلق یک گره بسته وا کند

### ۳. رازداری و خطاپوشی

۳. رازداری و خطاپوشی

«يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ؛ عیوبش را پوشاند».

آیا تاکنون برای شما پیش آمده است که بر عیب دوست، همکار، هم کلاسی یا یکی از خویشاوندان خود آگاه شوید یا از خطا و لغزشی که دیگری مرتکب شده است، اطلاع پیدا کنید؟ به یقین، برای هر کس چنین اتفاقی افتاده است. شما در چنین مواقعی چه می کنید؟ آیا سعی می کنید به هر کس که رسیدید، به عنوان یک خبر دست اول، عیب و خطای دوست و همکاران را منتقل کنید یا اینکه نه، به قول معروف «شتر دیدی، ندیدی»، چشم را برهم می گذارید و از پخش کردن آن موضوع پرهیز می کنید؟

هر کس به وجدان خود مراجعه کند، تصدیق می کند که کار دوم پسندیده تر است و بیشتر به سلامت اجتماع کمک می کند. به نظر شما، اجتماعی که در آن، همه با روحیه اعتماد و اطمینان نسبت به یکدیگر برخورد می کنند و درصدد عیب جویی از دیگران بر نمی آیند، برای زندگی مناسب تر و سالم تر است یا اجتماعی که در آن هر کس درصدد یافتن عیبی از دیگران یا نقطه ضعفی از اطرافیان خود است تا روی آن دست گذارد و همه جا پخش کند؟

مکتب حیات بخش اسلام و پیشوایان گران قدر آن، پیوسته به عنوان یک اصل در روابط میان برادران مسلمان، بر این نکته پافشاری کرده اند که

نباید در برخورد با دیگران همواره دنبال نقاط ضعف و لغزش های آنان و در پی عیب جویی و خرده گیری از ایشان بود، بلکه می بایست اساس برخورد را بر صحت و سلامت دیگران قرار داد و اگر خدای نخواستہ در موردی ثابت شد که فلان شخص خطایی را مرتکب شده است، باید از پخش آن خودداری کرد.

از همین رو، پیامبر اسلام، یکی از حقوق برادران مسلمان نسبت به یکدیگر را این می داند که عیب پوش یکدیگر باشند و پرده حجاب را از اعمال مخفی دیگران کنار نزنند. خود آن حضرت در این باره می فرماید:

مَنْ عَلِمَ مِنْ أَخِيهِ سَيِّئَةً فَسَتَرَهَا، سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر کس از گناه برادر دینی اش آگاه شود، ولی آن را پوشیده دارد، خداوند نیز در روز قیامت، گناهان او را پوشیده می دارد. از طرف دیگر نیز می فرماید:

يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ، وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. (۲)

ای گروه کسانی که به زبان ایمان آورده اند، ولی ایمان در قلب آنها وارد نشده است، به دنبال خطاها و لغزش های مؤمنان نباشید؛ زیرا هر کس لغزش و خطای مخفی مؤمن را دنبال کند [تا او را بی آبرو سازد] خداوند

ص: ۲۷

---

۱- علاءالدین علی الممتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵۰، ح ۶۳۹۱؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، همراه با ترجمه فارسی، مترجم: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۴۲۲۰، ح ۱۴۶۸۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۱۴، ح ۱۰.

نیز در مقابل، اعمال زشت و لغزش های او را دنبال می کند و [در همین دنیا] او را رسوا می سازد، حتی اگر در گوشه ای از خانه خود [و دور از دیدگان] خلافی مرتکب شده باشد.

پس اگر دوست داریم که خداوند ما را رسوا نسازد و پرده از اعمال زشتمان بردارد، باید سعی کنیم خود نسبت به دیگران این گونه باشیم و اگر خدای نخواستہ از کسانی باشیم که از بی آبرویی و هتک حیثیت دیگران شادمان می شوند و همواره گوش به زنگ و منتظر هستند تا لغزشی از دیگران مشاهده کنند و به رخ آنها بکشند، باید منتظر باشیم که خداوند نیز سرانجام ما را رسوا و انگشت نمای مردم سازد.

بنابراین، نتایجی که از این قسمت حاصل می شود، این است که:

۱. در روابط اجتماعی خود با دیگران، اصل را بر پوشیده نگه داشتن خطاها و لغزش های آنان بگذاریم و اسرار و مسائل مخفی دیگران را آشکار نکنیم.

۲. در پی عیب جوئی و انتقاد از دیگران نباشیم، بلکه بیشتر متوجه عیب ها و ایرادهای خود باشیم؛ چرا که به قول سعدی:

گر هر دو دیده نبیند به اتفاق

بہتر ز دیده ای کہ نبیند خطای خویش

فایده این مطلب که انسان همواره متوجه عیوب خود باشد، این است که انسان از توجه به عیوب دیگران باز می ماند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

لَا تَتَّبِعَنَّ عُيُوبَ النَّاسِ فَإِنَّ لَكَ مِنْ عُيُوبِكَ إِِنْ عَقَلْتَ مَا يَشْغُلُكَ أَنْ تَعِيبَ

ص: ۲۸

هرگز عیوب مردم را پی جویی مکن؛ چرا که برای تو عیوبی است که اگر در آنها اندیشه کنی، فرصتی برای پرداختن به عیب های دیگران نمی یابی.

از طرف دیگر، کسی که به دنبال یافتن ایراد و نقطه ضعفی از دیگران باشد، دوستان خود را از دست می دهد و کسی مایل به معاشرت با او نخواهد بود.

۳. اساس برخورد و ارتباط با برادران و خواهران دینی را همواره بر خوش گمانی به آنها بگذاریم که به قول سعدی شیرازی:

هر که را جامه پارسا بینی

پارسا دان و نیک مرد انگار

ور ندانی که در نهانش چیست

محتسب را درون خانه چه کار؟

این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که وقتی یکی از یاران امام موسی کاظم علیه السلام به آن حضرت عرض می کند:

گاهی اتفاق می افتد که باخبر می شویم یکی از برادران ایمانی کار ناشایستی انجام داده است، ولی وقتی از خود او سؤال می کنیم، به کلی منکر می شود و آن خبر را تکذیب می کند، در حالی که ما آن خبر را از افرادی مورد اطمینان شنیده بودیم؛ در این موارد چه کنیم؟ [حرف آن افراد مورد اطمینان را قبول کنیم و یا حرف خود او را که منکر آن عمل شده است؟]

امام در جواب می فرماید:

ص: ۲۹

يَا مُحَمَّدُ! كَذَّبَ سَيِّمَعَكَ وَبَصِيرَكَ عَنْ أَخِيكَ، فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَقَالَ لَكَ قَوْلًا، فَصَدَّقَهُ وَكَذَّبَهُمْ وَلَا تُدْبِعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تُشَيِّنُهُ بِهِ وَتُهْدِمُ بِهِ مَرْوَتَهُ فَتَكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (١). (٢)

ای محمد! دیده‌ها و شنیده‌های خود را در مورد برادرت تکذیب کن [و به او گمان ناروا نبر]، حتی اگر پنجاه نفر از افراد مورد اطمینان نزد تو شهادت دهند که فلان برادر دینی ات خلافی مرتکب شده است، ولی خود او حرف دیگری بزند و نسبتی را که به او داده‌اند، قبول نکنند، تو باید حرف آن پنجاه نفر را نپذیری و قول او را تصدیق کنی. هرگز درباره برادرت، چیزی را که موجب زشتی و بی‌آبرویی او می‌شود و حیثیتش را می‌برد، منتشر نکن؛ چرا که در این صورت از کسانی خواهی بود که خدا درباره آنها فرموده است: «کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود...».

البته باید توجه داشت که این سخن امام هفتم شیعیان در محدوده ارتباطات اجتماعی برادران و خواهران مسلمان مطرح شده و هدف ایشان این بوده است که نباید اجازه داد حرمت و حیثیت دیگران به هر قیمتی در جامعه شکسته شود؛ زیرا حفظ آبروی افراد تا بدان حد ارزشمند است که نمی‌توان به صرف شنیدن اخبار و شایعاتی به خود اجازه نقل و پخش آن را داد و سبب هتک حرمت دیگران شد. از این رو، تنها به قول خود شخص

ص: ۳۰

---

۱- سوره نور ۲۴، آیه ۱۹.

۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثا، چاپ اول، قم، دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، صص ۳۹۴ و ۳۹۵.

اعتماد می کنیم، ولی وقتی موضوعی در دادگاه و نزد قاضی مطرح می شود، دیگر این گونه نیست که قاضی به صرف انکار شخص اکتفا کند و قول شهادت دهندگان را نپذیرد، بلکه در آنجا اصول و قواعد دیگری مطرح است که با آنچه در اینجا در محدوده روابط اجتماعی افراد با یکدیگر بیان شد، فرق دارد.

در اینجا لازم است به عزیزی که مسئولیتی بر عهده دارند یا در رأس اداره و سازمانی هستند، توصیه کنیم که اجازه ندهند بعضی از زیردستانشان به خاطر چاپلوسی و تقرب به ایشان، به بدگویی و عیب جویی دیگران پردازند و با آبروی آنها بازی کنند، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام به کارگزاران خود سفارش می کرد:

وَلْيَكُنْ أَبَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَابِئِ النَّاسِ. (۱)

و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن ترین آنان نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیب جوی مردم است.

سعدی نیز ما را از توجه به عیب جویان برحذر می دارد و می گوید:

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

#### ۴. درگذشتن از لغزش

۴. درگذشتن از لغزش

«يُقِيلُ عَثْرَتَهُ؛ از لغزش او درگذرد».

افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند، در برابر یکدیگر متعهد و

ص: ۳۱

مسئول هستند. در واقع، آنان همه مانند حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته اند و شکستن یکی از حلقه ها به معنی از هم پاشیدن تمام حلقه هاست، چنان که گفته اند:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار(۱)

اگر به این پیوند و ارتباط اجتماعی، مودت و برادری دینی را نیز اضافه کنیم، وظیفه ما در مقابل اطرافیان و دوستانمان افزایش می یابد. به یقین، دو برادر مسلمان نسبت به یکدیگر تعهد و مسئولیت بیشتری دارند و باید بیش از دیگران یاور و پشتیبان هم باشند، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ قَلْبُ الظَّمَانِ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ.(۲)

مؤمن در کنار برادر مؤمنش آرامش می یابد، همچنان که قلب انسان تشنه با آب خنک آرامش می یابد.

این احساس وظیفه در برابر یکدیگر گاهی اهمیت بیشتری می یابد و آن زمانی است که مشاهده می کنیم لغزشی از برادر دینی ما سر زده است و

ص: ۳۲

---

۱- این شعر مضمون حدیثی است از امام صادق علیه السلام که می فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ أَشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ، وَ أَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدٍ». الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۴. لازم است توجه کنیم که این حدیث از مؤمنان سخن می گوید، نه همه انسان ها.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۰، ح ۶.



احتمال می دهیم که پس از مدتی، چنان در گرداب گناه و انحراف فرو می رود که هیچ امکانی برای بازگشت به صراط مستقیم برای او باقی نخواهد ماند. در این مورد، ما نباید با بی اعتنایی شاهد و ناظر باشیم و به مجرد اینکه احساس کردیم او کمی از مسیر صحیح منحرف شده است، از وی کناره گیری کنیم، بلکه باید خود را موظف بدانیم که اولاً از لغزش های او در گذریم و ثانياً او را حفظ و از سقوطش به وادی تباهی و انحطاط جلوگیری کنیم.

بر اساس همین رابطه مودت و برادری ایمانی است که خداوند متعال، امر به معروف و نهی از منکر را بر مؤمنان لازم دانسته است و می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (۱)

مردان مؤمن و زنان مؤمن، بعضی از ایشان بر بعضی دیگر ولایت و سرپرستی دارند. [از همین رو،] یکدیگر را به معروف و می دارند و از منکر باز می دارند...

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید:

[خداوند متعال] بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک حال عامه مؤمنین را بیان می کند و می فرماید:

«مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند» تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردانشان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان، همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت، بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می شوند. به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر می کند و از منکر نهی می نماید. آری، به خاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است، آن هم ولایتی که تا کوچک ترین افراد اجتماع راه دارد که به خود اجازه می دهند هر یک

ص: ۳۳

دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز بدارد. (۱)

می توان گفت امر به معروف و نهی از منکر که برای جلوگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی اهل ایمان به عنوان یک واجب بر عهده تک تک مؤمنان گذاشته شده است، در احساس تعهد و مسئولیت مؤمنان نسبت به یکدیگر ریشه دارد. به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر حقی است که هر مؤمن بر عهده برادر مؤمن خویش دارد و تکلیفی است که هر عضو اجتماع به حکم تعهد انسانی و وظیفه دینی باید آن را ایفا کند.

## ۵. پوزش پذیری

۵. پوزش پذیری

«يَقْبَلُ مَعْدِرَتَهُ؛ پوزش او را بپذیرد».

در همه محیط های اجتماعی و در میان تمامی کسانی که به گونه ای با یکدیگر در ارتباط هستند، خواه دو برادر، دو خواهر، دو دوست یا دو همکار، در هر حال مسائلی پیش می آید که سبب ناراحتی و دل گیر شدن یکی از دو طرف می گردد و این معمولاً، امری اجتناب ناپذیر است. نکته مهم و قابل توجه اینجاست که در این مواقع چه باید کرد؟ آیا با پیش آمدن کوچک ترین ناراحتی یا دیدن برخوردی ناشایست از دوست و برادر و خواهر ایمانی خود، باید پیوندهای دوستی مان را از یکدیگر بگسلیم و اجازه دهیم که روز به روز فاصله بین ما زیادتر گردد؟ آیا باید بگذاریم این امر زمینه ای برای سوء استفاده کسانی شود که نمی توانند رابطه نزدیک و دوستانه برادران و خواهران مسلمان را ببینند؟

به راستی اگر در رابطه بین شما و دوستانتان مسئله ناراحت کننده یا اگر

ص: ۳۴

---

۱- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۵۲۹.

دوستی نسبت به شما بی مهری و در حق شما کوتاهی کرد، ولی او پس از مدتی، پشیمان شد، شما با او چگونه رفتار می کنید؟ آیا عذرش را می پذیرید و از خطای او می گذرید یا اینکه آتش کینه تان همچنان شعله ورت می ماند؟

پیامبر گرامی اسلام در وصیت خویش به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْ مُتَّصِلِ عُدْرَا، صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا، لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي. (۱)

ای علی! هر کس عذر دیگری را که از او بخشایش می طلبد، نپذیرد، شفاعت من شامل حال او نمی شود، خواه آن شخص که عذر می آورد و خود را تبرئه می کند، در ادعای خود صادق باشد، خواه دروغ گو.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث تصریح می فرماید که شما به این کار نداشته باشید که آیا واقعا شخصی که معذرت خواهی می کند و درصدد تبرئه خویش است، راست می گوید یا دروغ، بلکه وظیفه شماست که در هر حال، حرفش را بپذیرید و عذرش را قبول کنید.

در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است که:

إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ عُدْرَهُ. (۲)

اگر کسی در طرف راست شما ایستاد و به شما دشنام و ناسزایی گفت، ولی بعد به طرف چپ شما آمد و عذرخواهی کرد، عذر او را بپذیرید.

این اخلاق نشانه کمال بزرگواری و اوج ایمان شخص است. هر کدام از ما باید سعی کنیم که به تدریج در ادای کامل این حق دوستان و اطرافیانمان؛ یعنی

ص: ۳۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۳، ح ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۱، ح ۳۴.

پذیرش عذر خطاهای ایشان، گام برداریم و به این صفت کریمان بیش از پیش آراسته گردیم.

## ۶. رد کردن سخنان بدگویان

۶. رد کردن سخنان بدگویان

«يُرَدُّ غَيْبَتُهُ؛ بدگویی هایی را که درباره او می شنود، رد کند».

همه شما عزیزان کم و بیش با گناه بزرگ غیبت و بدگویی دیگران آشنا هستید و می دانید که در آیات و روایات با چه شدتی از آن یاد شده است و مؤمنان را از آن برحذر داشته اند. آنچه در اینجا به عنوان یکی از حقوق مؤمنان در صدد بیان آن هستیم، این است که همه ما وظیفه داریم افزون بر اینکه از غیبت و بدگویی نسبت به دیگران خودداری می کنیم و شنونده غیبت نیز نمی شویم، (۱) در مرحله بالاتر باید سعی کنیم اگر در محفلی حضور داشتیم و شنیدیم از برادر یا خواهر مسلمانی در غیاب او بدگویی می شود، برای حفظ حیثیت و آبروی آن برادر یا خواهر، سخنان غیبت کننده را رد و از کسی که خود برای پاسخ گویی در مجلس حضور ندارد، دفاع کنیم و اجازه ندهیم که شخصیت اجتماعی مسلمانی زیر سؤال برود. چنان که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ رَدَّ عَنْ أَخِيهِ غَيْبَةً سَمِعَهَا فِي مَجْلِسٍ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... (۲)

هر کس در مجلسی حضور داشت و شنید که از برادرش به بدی یاد

ص: ۳۶

---

۱- در روایات تصریح شده است که «غیبت کردن» و «غیبت شنیدن» در حرمت یکسان هستند. از جمله در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «السَّمْعُ لِلْغَيْبَةِ كَالْمُغْتَابِ؛ شنونده غیبت مانند غیبت کننده است». غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۷، ح ۶.

می کنند، ولی او ساکت نشست و آن سخنان را رد کرد [و آبروی برادر مسلمان خود را حفظ کرد]، خداوند نیز او را در دنیا و آخرت از هزار شرّ و بدی حفظ می کند... .

در مقابل:

... فَإِنْ لَمْ يَرُدَّ عَنْهُ وَ أَعْجَبَهُ كَانَتْ عَلَيْهِ كَوْزِرٍ مِّنْ أَعْتَابِ. (۱)

اگر در برابر بدگویی هایی که به برادر مؤمنش می شود، ساکت نشست و نه تنها از او دفاع نکرد، بلکه از آن سخنان به هیجان آمد [و با تمام وجود به آنها گوش داد]، در گناه شخص غیبت کننده، شریک خواهد بود.

## ۷. اندرزگویی و خیرخواهی

۷. اندرزگویی و خیرخواهی

«يُدِيمُ نَصِيحَتَهُ؛ پیوسته اندرزگو و خیرخواه او باشد».

از قدیم گفته اند که «انسان جاز الخطاست» و همه در معرض لغزش و اشتباه هستند. از این رو، لازم است در هر اجتماعی، کسانی که به گونه ای با یکدیگر در ارتباط هستند و پیوند دوستی و برادری یا رابطه خویشاوندی میان آنها برقرار است یا دست کم در مسلمان بودن با یکدیگر مشترکند، به عنوان وظیفه انسانی و اسلامی و به حکم محبت و دل سوزی بر رفتار اطرافیان خود نظارت کنند تا اگر خدای نخواستہ مشاهده کردند که آنها راه خطا در پیش گرفته اند، با نصیحت و پند و اندرزی که از صمیم قلب و از سر خیرخواهی برخاسته است، آنها را متوجه خطا و اشتباه خویش سازند و طریق رستگاری و زندگی سعادت‌مندانه را به ایشان نشان دهند. اگر با وجود قدرت بر انجام چنین کاری، در انجام آن کوتاهی کنند، مشمول این حدیث

ص: ۳۷

امام صادق علیه السلام خواهند شد که:

مَنْ رَأَى أَحَاهُ، عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَقَدْ خَانَهُ. (۱)

هر کس برادرش را بر امر ناشایستی ببیند و با وجود توانایی بر بازداشتن ولی، او را از این کار منع نکند، به او خیانت کرده است.

از آن طرف باید بدانیم که اگر از سر دل سوزی و خیرخواهی به نصیحت دیگران پردازیم، اجر عظیمی در انتظار ما خواهد بود، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وعده داده است:

إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِهِ. (۲)

در روز قیامت، مقام و منزلت کسی بیش از همه خواهد بود که در طریق نصیحت برادرانش بیشتر گام برداشته باشد.

البته باید در نظر داشت که نصیحت ها و سفارش های ما آن گاه در دیگران اثر می کند که با مهربانی و ملاحظت همراه باشد و از سر دلسوزی و احساس مسئولیت انجام پذیرد. اگر خدای نخواستہ پند و اندرز، اندکی همراه با تحقیر و سرزنش یا از سر اظهار فضل و بزرگ نشان دادن خود باشد، نه تنها هیچ تأثیری ندارد، بلکه ممکن است شخص نصیحت شونده را در طریق اشتباهی که در پیش گرفته است، مصمّم تر کند. بنابراین، نصیحت کننده باید دلسوز و مهربان باشد و در کمال لطف و صفا به این عمل اقدام کند. انبیای الهی که در رأس ناصحان و اندرزدهندگان به انسان ها هستند، چنین بودند و هر یک از آنها این گونه مردم را خطاب می کردند:

ص: ۳۸

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۵، ح ۲.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵.

أَبْلَغَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ ناصِحٌ أَمِينٌ. (۱)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

علاوه بر این خصوصیت، نکات دیگری نیز وجود دارد که باید هنگام نصیحت به آنها توجه کرد:

۱. اگر چه ما گفتیم همه برادران و خواهران ایمانی وظیفه دارند مراقب احوال برادران و خواهران خود باشند تا مبادا به لغزش بیفتند، ولی این موضوع نباید بهانه ای برای تجسس و دقیق شدن های بی مورد در زندگی و احوال شخصی دیگران شود. به عبارت دیگر، زمانی وظیفه ارشاد و راهنمایی دیگران بر عهده ماست که از امور ظاهری و رفتار روزانه دوست، برادر، خواهر یا خویشاوند خود و اظهارات خود آنها متوجه خطا و لغزشی شویم. بنابراین، انجام این وظیفه نباید بهانه ای شود برای داخل شدن در محدوده زندگی خانوادگی و شخصی دیگران و پی جویی و کاوش بی مورد در آنچه از نظر ما پوشیده مانده است.

۲. باید نصیحت کردن دیگران در خفا و دور از چشم اغیار صورت گیرد؛ زیرا هر کس برای خود شخصیتی دارد که باید آن را محترم بداریم و از ضربه زدن به آن خودداری کنیم. چنان که امام علی علیه السلام فرموده است:

نُصْحُكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَفْرِيعٌ. (۲)

نصیحت کردن در پیش چشم دیگران [سبب خرد شدن شخصیت فرد و] در حکم سرزنش است.

۳. همان طور که وظیفه برادران و خواهران مسلمان نسبت به یکدیگر

ص: ۳۹

---

۱- سوره اعراف ۷، آیه ۶۸.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۹۹۶۶.

سفارش به خیر و اندرز‌گویی است، شخص نصیحت شونده نیز باید سخنان خیرخواهانه برادران و خواهران ایمانی اش را محترم شمارد و بدان عمل کند. شاعر چه خوش سروده است:

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را(۱)

ائمه ما نیز «عمل کردن به نصیحت را از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها»(۲) و «مخالفت کردن با خیرخواهی دیگران را مایه هلاکت»(۳) دانسته‌اند.

مولانا می‌فرماید:

پند پیران را پذیرا شو به جان

تا رهی از خوف و مانی در امان

## ۸. پایداری بر دوستی

### اشاره

۸. پایداری بر دوستی

«يَحْفَظُ خُلَّتَهُ؛ بر دوستی او ثابت قدم باشد».

یکی از بهترین کلمات و دل‌انگیزترین واژه‌های هستی، «دوستی» و یکی از گران‌بهارترین گوهرهای عالم، «دوست باوفا» و «یار صادق» است؛ چرا که چنین دوستانی بهترین سرمایه و پشتیبان انسان در هنگام آسایش و سختی

ص: ۴۰

---

۱- حافظ.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۲۰، ح ۹۳۰۵: «مِنَ أَكْبَرِ التَّوْفِيقِ الْأَخْذُ بِالنَّصِيحَةِ».

۳- همان، ج ۵، ص ۱۵۳، ح ۷۷۴۳: «مَنْ خَالَفَ النَّصِيحَةَ هَلَكَ».



هستند و از همین روست که امام علی علیه السلام می فرماید:

عَلَيْكَ يَا خَوَانَ الصَّدَقِ، فَأَكْثَرُ مِنْ اِكْتِسَابِهِمْ، فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ جُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ. (۱)

دوستان راستین [در گفتار و کردار] برگزیده و این گونه دوستان را زیاد کن؛ زیرا چنین دوستانی امید و سرمایه انسان به گاه آسایش و پناهگاه امن او به گاه بلا و مصیبت هستند.

بنابراین، انسان در درجه اول باید سعی کند تا می تواند شمار دوستانش را افزایش دهد که به قول معروف، «هزار دوست، کم است و یک دشمن، زیاد». در مرتبه بعد پیوسته مواظبت کند که دوستان خویش را از دست ندهد؛ زیرا هر که این گوهر به دستش برسد و قدرش را نداند و آن را از دست بدهد، از جاهل ترین و زیان کارترین مردم روزگار است. امیرمؤمنان علی علیه السلامی فرماید:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ. (۲)

عاجزترین مردم کسی است که نتواند دوستی پیدا کند و عاجزتر از او کسی است که دوست خوبی را از دست بدهد.

مولانا نیز می فرماید:

هر که او از هم زبانی شد جدا

بی زبان شد، گرچه دارد صد نوا

ص: ۴۱

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷، ح ۷.

۲- همان، ص ۲۷۸، ح ۱۲.

در انتخاب دوست باید نهایت دقت و مراقبت را داشت و با هر کسی نباید طرح دوستی ریخت؛ زیرا دوست تأثیر زیادی در انسان دارد و می تواند به شخصیت او شکل بدهد. افزون بر آن، هر کس به طور معمول خوی و خصلت دوست خود را می گیرد و مردم نیز از روی دوستان یک فرد در مورد او قضاوت می کنند. پس باید در انتخاب دوست و معاشر خود دقت لازم را به عمل آوریم تا خدای نخواستہ بعدها دچار پشیمانی و حسرت نشویم. چنان که بعضی افراد در روز قیامت انگشت ندامت به دندان می گزند و می گویند:

يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۱)

ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.

بنابراین به مصداق این شعر که:

هم نشین تو از تو به باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید

باید به دنبال کسی بود که هم نشینی با او سبب رشد شخصیت ما شود و به صلاح دین ما باشد.

در روایات اسلامی به موضوع انتخاب دوست و حفظ آن اهمیت بسیاری داده شده و مباحث مختلفی در روایات مطرح شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۴۲

## خصوصیات دوست خوب

خصوصیات دوست خوب

با توجه به مجموعه احادیثی که به نحوی ما را از دوستی با گروهی خاص منع کرده اند، می توان گفت کسانی که دارای خصوصیات زیر باشند، صلاحیت دوستی و هم نشینی را ندارند: آلودگی به گناه، دروغ گویی، عیب جویی، سخن چینی، بخل و تنگ نظری، حسد، ترس، طمع و خودپسندی، جهل و حماقت. (۱)

همچنین در روایات، دوستی با این افراد ستایش و ترغیب شده است: کسانی که از گناه و معصیت دوری می کنند، دست و دل باز، نظر بلند، عذرپذیر، با گذشت، بزرگواری، بردبار و صبورند و در سختی و گشایش همراه انسان هستند. (۲)

آنچه برشمردیم، مهم ترین خصلت هایی است که در روایات آمده است. ممکن است خصوصیات دیگری نیز باشد که ما در اینجا آنها را بیان نکرده باشیم، ولی می توان همه آنها را در این جمله رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خلاصه کرد که:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ صَدَّقَكَ عَنْ مَعْصِيَةِهِ وَ أَمَرَكَ بِرِضَاؤِهِ. (۳)

بهترین دوستان تو، کسی است که بر طاعت خدا یاری ات کند و از مخالفت او بر حذرت دارد و تو را به آنچه رضای اوست، فرمان دهد.

## حفظ و تداوم دوستی ها

حفظ و تداوم دوستی ها

تا اینجا با شرایط و خصوصیات یک دوست خوب آشنا شدید، ولی نکته مهم تر این است که اگر بعد از سال ها تلاش و جست و جو به دوست و یاوری

ص: ۴۳

---

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۰ به بعد؛ باب من لاینبغی مجالسته و مصادقته و مصاحبتیه؛ همچنین ر.ک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶.

۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۷، صص ۲۶۹ - ۲۷۱؛ میزان الحکمه، ج ۱، صص ۸۱ و ۸۲.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۲ ح ۲۶۹.

وفادار دست یافتیم، با او چگونه رفتار کنیم و چه مسائلی را رعایت کنیم تا دوستی ما پابرجا بماند و دوست خوب خود را از دست ندهیم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه ویژگی هایی که سبب حفظ و تداوم دوستی ها می شود، می فرماید:

لَا تَذْهَبِ الْحِشْمَةُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أُبْقِ مِنْهَا، فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ وَ بَقَاءُ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمَوَدَّةِ. (۱)

در روابط دوستانه ات با دیگران همواره وقار و ادب خود را حفظ کن تا پرده های حیا و شرم از بین نرود و بدین وسیله دوستی های شما پایدار بماند.

امام صادق علیه السلام نیز در یکی از وصایای خود به محمد بن نعمان در این زمینه می فرماید:

إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَصْفُوكَ وَدُّ أَحِيكَ فَلَا تُمَارِحْنَهُ، وَلَا تُمَارِئَنَّهُ وَلَا تُبَاهِيَنَّهُ وَلَا تُشَارِنَهُ. (۲)

اگر می خواهی دوستی بین تو و برادرت خالص و صمیمی باقی بماند، از چند چیز برحذر باش: از مزاح و شوخی [بیش از حد] با او پرهیز؛ با او به ستیزه و جدل [و گفت و گوهای بی مورد برای به کُرسی نشاندن حرف خود] نپرداز؛ از فخرفروشی و مباحات نسبت به او خودداری کن و با او دشمنی نورز و از در خیانت با او وارد نشو.

در یک کلام می توان گفت:

ص: ۴۴

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۳، ح ۱۱۷.

۲- همان، ص ۲۹۱، ح ۲.

دوستی را که به عمری فراچنگ آرند

نشاید که به یک دم بیزارند

به طور معمول چنین است که دو نفر که با هم آشنا می شوند و طرح دوستی می ریزند، در ابتدا که هنوز به اصطلاح، با هم خیلی خودمانی نشده اند، در صحبت ها و رفتار با یکدیگر دقت کرده و حدود متعارف و معمول را رعایت می کنند، ولی به تدریج که برمدت دوستی و آشنایی آنها اضافه می گردد، حجاب ها و فاصله ها کنار می رود و چون به قول معروف، با هم یک رنگ شده اند، از هیچ سخن و رفتاری نزد هم ابا ندارند. همین امر سبب می شود که رفته رفته به سبب از بین رفتن حجب و حیایی که بین آن دو وجود داشت، راه برای هرگونه برخورد با یکدیگر باز می شود و گاه از حد توهین و بی احترامی نسبت به یکدیگر نیز فراتر می رود. به تدریج، با تشدید این وضعیت، رشته دوستی گسسته می شود و دو دوست صمیمی با حالت دل خوری و ناراحتی، از یکدیگر جدا می شوند. اگر از همان ابتدا به طور کامل مراقب باشند و در دوستی ها رعایت حد و مرز لازم را فراموش نکنند، هیچ گاه کار به اینجا کشیده نمی شود.

پس برای حفظ و تحکیم رابطه دوستانه خود با دیگران باید از بی حرمتی و رفتار ناشایست، خیانت و دورنگی، ستیزه جویی و رقابت، دشمنی و کینه توزی، خودپسندی و فخرفروشی، دوری جویم و هیچ گاه در برخوردها، حد اعتدال و میانه روی را از دست ندهیم و سبب از بین رفتن مرزهای حیا نشویم که:

سنگی به چند سال شود لعل پاره ای

زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ (۱)

ص: ۴۵

## ۹. وفای به عهد و پیمان

۹. وفای به عهد و پیمان

«يَرعى ذِمَّتَهُ؛ بر عهد و پیمان هایی که با او دارد، وفادار بماند».

نهمین حق از مجموعه حقوقی که رسول خاتم برای برادران ایمانی برمی شمارد، رعایت عهد و پیمان ها و پای بندی به قول و قرارهاست. در این زمینه نیز احادیث بسیاری از پیشوایان دین نقل شده است که ما در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

لا إِيمَانَ لِمَنْ لا أمانَهُ لَهُ، لا دِينَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ. (۱)

کسی که امانت داری نمی کند، ایمان ندارد و کسی که به عهد و پیمان های خود وفا نمی کند، دین ندارد.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ مَعْرُوفًا لِلْأَحْيِدِ فِيهِنَّ رُحْمَةٌ: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ. (۲)

خداوند عزّ و جلّ، اجازه ترک کردن سه چیز را به هیچ کس نداده است: یکی، ادا کردن امانت، خواه امانت گذار فردی صالح و خواه فردی ناصالح باشد. دیگری، وفا کردن نسبت به عهد و پیمان ها، خواه این عهد با نیکان و صالحان باشد و خواه با مردمان ناصالح و بدکردار. سوم، نیکی کردن به پدر و مادر، چه آن دو شایسته و باصلاحیت باشند و چه ناشایست و بی صلاحیت.

ص: ۴۶

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸، ح ۲۶.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۵.

این مسئله چنان اهمیت و ارزش دارد که امام علی علیه السلام در فرمان خویش به مالک اشتر، وی را به رعایت عهد و پیمان های بسته شده با دشمنان نیز ملزم کرده و وفای به عهد را از جمله صفاتی دانسته است که همه اقوام و ملل، با دین و مذهب های متفاوت، به یکسان برای آن ارزش قائل هستند و آن را محترم می شمارند. (۱)

نکته دیگری که در همین جا اشاره به آن لازم است، این که همه ما افزون بر تعهد و مسئولیتی که در وفا به عهد و قرارهای خود داریم، موظفیم در نگه داری امانت ها و سپرده های دیگران نیز کوشا باشیم و از خیانت در امانت دوری کنیم.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امانت داری را از شروط مسلمانی دانسته است و می فرماید:

مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي، وَ يَلْقَى اللَّهَ - وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ. (۲)

کسی که در امانت خیانت ورزد و آن را به صاحبش رد نکند، سپس از دنیا برود، بر دین من نمرده است و خداوند را در حالی ملاقات می کند که از او خشمناک است.

در روایتی نیز که پیش از این از امام باقر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن حضرت، ادای امانت را از جمله مواردی می داند که خداوند اجازه تخلف نسبت به آن را به هیچ کس نداده است. (۳)

بنابراین، شایسته است که بیش از پیش در وفای به عهد و پیمان و ادای

ص: ۴۷

---

۱- نهج البلاغه ، نامه ۵۳، ص ۳۹۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۱، ح ۳.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۵.

امانت که از حقوق مسلم برادران و خواهران ایمانی ماست، کوشا باشیم. همچنین فراموش نکنیم که انسان عهدشکن و بی توجه به تعهدات اجتماعی در میان مردم جایی نخواهد داشت که:

پیر پیمانہ کش ما کہ روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان(۱)

به علاوه باید به این نکته توجه کنیم که هر یک از ما نسبت به مردم جامعه خویش، عهد و پیمانی بر گردن داریم و عهده دار امانتی هستیم که باید آن را به خوبی، ادا و به تکلیف و تعهدمان در برابر هم میهنان خود عمل کنیم. باید بدانیم که اگر خدای نخواستہ در انجام وظایف و مسئولیت های مان کوتاهی کنیم، به خوبی از عهده انجام تکلیفی که اجتماع به ما سپرده است، بر نیامده ایم و باید در پیشگاه خداوند پاسخ گو باشیم.

## ۱۰. عیادت و دل جویی

۱۰. عیادت و دل جویی

«يَعُودُ مَرَضَتَهُ؛ به هنگام بیماری او، به دیدارش برود».

یکی از نکات مهم در روابط و آداب معاشرت های اجتماعی، عیادت دوستان و بستگانی است که دچار بیماری شده اند. اصولاً در چنین مواقعی است که دوستی و خویشاوندی ارزش واقعی خود را پیدا می کند.

وقتی شما بر بالین برادر یا خواهر مسلمان خود حاضر می شوید و از او دل جویی می کنید و حال وی را می پرسید، احساس آرامش به او دست

ص: ۴۸



می دهد و دردش تسکین می یابد. به همین دلیل، در چنین لحظاتی نسبت به شما احساس مهر و محبت بیشتری می کند و همین سبب می گردد در آینده، روابط دوستانه یا پیوند خویشاوندی میان او و شما محکم تر شود و از پایداری بیشتری برخوردار گردد. به علاوه همین عیادت سبب می شود که اگر از قبل نسبت به هم کدورت و ناراحتی داشته اید، برطرف شود و خلوص و صفا جای آن را بگیرد.

از این رو، در معارف اخلاقی اسلام تأکید بسیاری بر عیادت بیماران و دل جوئی از آنان شده و پیامبر گرامی اسلام، آن را یکی از حقوق اهل ایمان نسبت به یکدیگر برشمرده است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا شَيْعَةً سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (۱)

کسی که به قصد عیادت بیماری از خانه خود خارج می شود، هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کنند و تا آن زمان که دوباره به خانه برگردد، برای او طلب آمرزش می کنند.

بنا بر دستورهایی که در روایات آمده است، هنگام عیادت از بیماران باید به آداب مربوط به این عمل نیز توجه داشت تا کار خیر ما تکمیل شود و از ثواب بیشتری برخوردار گردد.

دو ادب مهم که رعایت آنها هنگام دیدار از بیماران لازم است، عبارتند از:

۱. از توقف زیاد نزد بیمار خودداری کنیم، مگر اینکه خود او از ما بخواهد که بمانیم.

۲. در صورت امکان، چیزی که بیمار را خوشحال می کند، با خود همراه

ص: ۴۹

ببریم و به قول معروف، دست خالی نباشیم. (۱)

این را هم اضافه کنیم که عیادت بیماران و حاضر شدن بر بالین انسان دردمندی که ناتوانی بر او غالب شده و در بستر درد و رنج افتاده است، می تواند تذکر و هشدار به انسان های برخوردار از نعمت سلامتی باشد و به آنها گوشزد کند که:

دایم گل این بستان، شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی (۲)

## ۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری

۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری

«يَشْهَدُ مَيْتَتَهُ» در تشییع جنازه اش حاضر شود».

یکی از ویژگی های انسان این است که اشتغال به زندگی روزانه و سرگرم شدن به بازی های حیات دنیوی، به مرور او را از یاد مرگ و سفر آخرت غافل می سازد و چنین می نماید که برای همیشه در این دنیا خواهد ماند. از این رو، در پی کسب توشه برای روز بازپسین نیز بر نمی آید و تمام هم خود را مصروف گذران زندگی مادی و سر و سامان دادن به وضع این دنیای خویش می سازد. در این میان، یکی از اموری که سبب توجه و هوشیاری انسان خواب زده و فرورفته در دریای غفلت و فراموشی می گردد، دیدن مرگ دیگران و شرکت در تشییع جنازه اطرافیان است.

وقتی کسی پشت سر جنازه ای به راه می افتد و خاطرات خود را با کسی که

ص: ۵۰

---

۱- همان، صص ۶۴۲ و ۶۴۳.

۲- حافظ.

در تابوت آرمیده است، در ذهن مرور می کند و زمانی را که با هم گرم کار و تلاش و فعالیت بودند و برای کسب ثروت بیشتر با یکدیگر به مسابقه می پرداختند یا زمانی را که به دلیل موفقیت تحصیلی آن دوست بر او رشک و حسد می ورزید و بسیاری از خاطرات تلخ و شیرین و آرزوهای به هدف نرسیده دیگر را به یاد می آورد و می بیند که آن دوست و همراه، یا رقیب دیروز، اکنون فارغ از همه جا و همه کس، خاموش و آرام و بی هیچ نشانی از تلاش های روزهای پیشین و با دستان خالی، به سوی آرامگاه خویش در حرکت است، به یک باره تحولی در او ایجاد می شود. اگر چشم بصیرتی داشته باشد، خود را به جای آن آرمیده در تابوت می بیند و مرگ خویش را باور می کند و درمی یابد که نمی تواند خود را فریب دهد و او هم بالاخره باید روزی آماده رفتن شود. به قول زنده یاد پروین اعتصامی:

هر که باشی و به هر جا برسی

آخرین منزل هستی، این است

از این روست که می بینیم پیشوایان، بر شرکت در تشییع جنازه و زیارت اهل قبور تأکید زیادی کرده اند تا جایی که وقتی کسی از امام محمد باقر علیه السلام سؤال می کند: «مرا هم به شرکت در تشییع جنازه و هم به میهمانی و مجلس سور کرده اند، کدام یک را انتخاب کنم و دعوت کدام یک را بپذیرم؟» امام در جواب می فرماید:

يُجِيبُ الْجَنَازَةَ، فَإِنَّ حُضُورَ الْجَنَازَةِ يُدَكِّرُ الْمَوْتَ وَالْآخِرَةَ وَحُضُورَ

الْوَلَائِمِ يُلْهِى عَنْ ذَلِكَ. (۱)

در مراسم تشییع جنازه شرکت کن؛ چرا که شرکت در تشییع جنازه، مرگ را [به انسان] یادآوری می کند، ولی شرکت در مهمانی سبب غفلت از آن می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خطاب به ابوذر می فرماید:

يَا أَبَاذَرٍّ! إِذَا تَبِعْتَ جَنَازَةً فَلْيَكُنْ فِيهَا مَشْغُولًا بِالتَّفَكُّرِ وَ الخُشُوعِ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَاحِقٌ بِهِ. (۲)

ای اباذر! هر گاه پشت سر جنازه ای حرکت می کنی، در آن حال، سرگرم تفکر و مطالعه در حال خویشتن باش و بدان که تو هم روزی به او می پیوندی.

مولانا نیز در اینجا بیانی زیبا دارد و می فرماید:

در همه عالم، اگر مرد و زنند

دم به دم در نزع و اندر مُردند

آن سخنان را وصیت ها شمر

که پدر گوید در آن دم با پسر

تا بروید عبرت و رحمت بدین

تا ببرد بیخ بغض و رشک و کین

تو بدان نیت نگر در اقربا

تا ز نزع او بسوزد دل تو را

ائمه دین علاوه بر سفارش و تأکیدی که بر موضوع شرکت در مراسم به خاک سپاری دوستان و نزدیکان به منظور عبرت گیری و دور شدن از غفلت و بی خبری کرده اند، اجر و ثواب بسیاری نیز برای مشایعت کنندگان رهروان سرای باقی برشمرده اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اجر عظیم شرکت در تشییع جنازه را چنین بیان می کند:

مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ، حَتَّى يَرْجِعَ، مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ دَرَجَةٍ فَإِنَّ صِلَى عَلَيْهَا شَيَّعَهُ فِي جَنَازَتِهِ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ مَلِكٍ كُلُّهُمْ يَسْتَتْفِرُونَ لَهُ، حَتَّى يَرْجِعَ، فَإِنْ شَهِدَ دَفْنَهَا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلِكٍ

كَلِّمُهُمْ يَسْتَتَغْفِرُونَ لَهُ، حَتَّى يُبْعَثَ مِنْ قَبْرِهِ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ جِبْرِئِيلُ وَ سَيَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ  
ذَنْبِهِ... (۳)

هر کس جنازه ای را همراهی کند، در ازای هر قدمی که در این راه برمی دارد تا هنگامی که به خانه خود برمی گردد، صد میلیون حسنه برای او نوشته می شود و صد میلیون گناه او پاک می شود و خداوند، مقام او را صد هزار درجه بالا می برد و اگر بر آن جنازه نماز بگذارد، صد میلیون فرشته، جنازه او را [پس از مرگش] همراهی و همه تا زمانی که او به خانه اش برمی گردد، برایش طلب آمرزش می کنند و اگر بایستد تا متوفی دفن شود، خداوند، هزار فرشته را مأمور می سازد تا زمانی که او از قبرش برانگیخته می شود، برایش طلب مغفرت کنند و هر کس بر مرده ای نماز بخواند، در عوض، جبرئیل و هفتاد هزار فرشته بر او نماز خواهند خواند

ص: ۵۳

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۸۴، ح ۴۰.

۲- همان، ج ۷۷، ص ۸۴، ح ۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۲۱، ح ۶.

و گناهان گذشته او آمرزیده می شود.

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

يُنْبَغِي لِأَوْلِيَاءِ الْمَيِّتِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤْذِنُوا إِخْوَانَ الْمَيِّتِ بِمَوْتِهِ، فَيَشْهَدُونَ جَنَازَتَهُ وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، فَيُكْسَبُ [وَأَيْ كَتَبُ] لَهُمُ الْأَجْرُ، وَيُكْسَبُ [يَكْتَبُ] لِمَيِّتِهِ الْأَعْتَابُ. (۱)

شایسته است که صاحبان عزا و نزدیکان در گذشته، دوستان و آشنایان او را از مرگ وی باخبر سازند تا در تشییع جنازه اش شرکت کنند و بر او نماز گزارند و برایش طلب مغفرت و بخشش کنند تا بدین وسیله هم اجر و ثوابی نصیب دوستان و آشنایان در گذشته گردد و هم خود او مشمول رضوان الهی واقع شود.

البته فراموش نکنیم که در درجه اول به عنوان ایفای حقی که دوستان و برادران دینی بر عهده ما دارند، می بایست در مراسم خاک سپاری و مجالس یادبود آنها شرکت کنیم و بر ماست که نگذاریم آنها با حال تنهایی و غربت از دنیا بروند. رسول گرامی اسلام نیز به این موضوع اشاره کرده و آن را از جمله وظایف هر مسلمان نسبت به مسلمانان دیگر برشمرده است.

## ۱۲. پذیرش دعوت

۱۲. پذیرش دعوت

«يُجِيبُ دَعْوَتَهُ؛ دَعْوَتِ او را اجابت کند».

نکته دیگری که در معاشرت با دیگران و به طور کلی در زندگی اجتماعی باید بدان توجه شود، این است که همواره سعی کنیم به هر شکل ممکن، دوست و برادر خود را راضی نگه داریم و موجبات دل خوری او را فراهم نکنیم.

ممکن است روزی یکی از دوستانتان، شما را به منزلش دعوت کند، ولی

ص: ۵۴

---

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸، ح ۵؛ الکافی، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۱.

شما به دلیل گرفتاری، دوری مسافت، بی حوصلگی یا هر دلیل دیگر، چندان مایل به اجابت دعوت او نباشید، در حالی که می دانید او از صمیم قلب می خواهد که دقایقی را با شما به سر برد و اگر شما دعوتش را نپذیرید، دل گیر خواهد شد و به دوستی تان لطمه وارد می شود. در چنین صورتی ما باید سعی کنیم تا آنجا که می توانیم خشنودی و رضایت دوست خویش را بر دیگر امور زندگی مقدم بداریم و دعوتش را بپذیریم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ، وَلَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ. (۱)

و همه امت را اعم از آنهایی که حاضرند و آنهایی که غایبند، سفارش می کنم که دعوت برادر مسلمان خود را بپذیرند، اگرچه مجبور باشند پنج میل (۲۰ کیلومتر) راه بپیمایند؛ زیرا این عمل نشانه دین داری فرد است.

آن حضرت در جای دیگری در بیان نشانه های جفا می فرماید:

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ... وَ أَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ. (۲)

سه چیز از نشانه های جفا [ و پشت کردن به دوستان ]... و اینکه شخص را برای مهمانی و صرف غذا دعوت کنند، ولی او اجابت نکند یا در مهمانی حاضر شود، ولی غذا نخورد.

البته باید توجه داشت همه نکاتی که ما در اینجا تذکر می دهیم، به روابط و معاشرت های برادران مسلمان و دوستان و خویشان مربوط است، و گرنه شرکت در هر مجلسی و پذیرفتن هر دعوتی به طور حتم جایز نیست. حضور

ص: ۵۵

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۴۷، ح ۷.

۲- همان، ح ۳.

در مجالس و محافل که در آنها گناه و معصیت وجود دارد یا قبول دعوت کسی که وجهه خوبی در اجتماع ندارد و سبب بدگمانی مردم می گردد، به هیچ وجه شایسته نیست. برای مسئولان و مدیران جامعه اسلامی نیز شرکت در میهمانی های پرتجمل و نشست و برخاست با طبقات مرفه و خوش گذران اجتماع که از درد مردم خبر ندارند، زینده نیست. مولای متقیان علی علیه السلام، یکی از کارگزاران خود، به نام عثمان بن حنیف را به سبب شرکت در یک میهمانی پرتجمل و اشرافی مورد سرزنش و نکوهش قرار داد و فرمود:

يَا بَنَ حُنَيْفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تُسَيِّطُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِنَانُ؛ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ، وَغَيْبُهُمْ مَدْعُوفٌ، فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضُمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهُ، وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ وَجْهِهِ فَنَلُّ مِنْهُ. (۱)

ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره، تو را به مهمانی خوانده و تو نیز بدانجا شتافته ای. [در آنجا] سفره ای رنگین برایت افکنده و ظرف هایی پرطعام پشت نهاده اند. هرگز نمی پنداشتم که تو دعوت قومی را اجابت کنی که بینوایان را از در می رانند و توانگران را بر سفره می نشاندند! بنگر که چه می خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری، از دهان بیفکن و آنچه را یقین داری از راه حلال به دست آمده است، بخور.

بنابراین، دانستیم که اجابت دعوت آشنایان و شرکت در مجالس و محافل که دوستان و برادرانمان، ما را به آنها فرا می خوانند، در صورتی که

ص: ۵۶



می دانیم در آن مجالس و محافل از گناه و معصیت خداوند خبری نیست، لازم بوده و بجاست که بی درنگ در مجالس و میهمانی های آنها شرکت کنیم، این امر سبب نزدیکی هر چه بیشتر قلب ها و استوارتر شدن دوستی ها می گردد.

### ۱۳. قبول هدایا

۱۳. قبول هدایا

«يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ، هَدِيه اش را بپذیرد».

سیزدهمین وظیفه ای که ما نسبت به دیگر مسلمانان داریم، این است که هدایای آنها را هر چند کوچک و ناچیز باشد، بپذیریم. سیره و اخلاق پیامبر گرامی ما چنین بود و در این باره می فرمود:

مَنْ تَكْرَمَهُ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ تَحْفَتَهُ وَيَتَحَفَّهُ بِمَا عِنْدَهُ وَلَا يَتَكَلَّفُ لَهُ شَيْئًا. (۱)

یکی از راه های گرامی داشت برادر مسلمان، قبول هدیه او و هدیه دادن به او در حد توان است، بی آنکه به دلیل این هدیه دادن به سختی بیفتد.

روایت شده است که روزی زن فقیر و بیچاره ای برای یکی از همسران پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هدیه ای آورد، ولی وی به خاطر ترحم و دل سوزی، هدیه اش را نپذیرفت. او این ماجرا را برای پیامبر نقل کرد. آن حضرت با شنیدن این ماجرا بسیار ناراحت شد و فرمود:

أَلَا قَبْلَتِيهَا مِنْهَا وَ كَافِيَّتِيهَا مِنْهَا فَلَا تَرَى أَنَّكَ حَقَّرْتِيهَا، يَا عَائِشَةُ تَوَاضَعِي فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ وَ يُبْغِضُ الْمُسْتَكْبِرِينَ. (۲)

چرا آن هدیه را نپذیرفتی؟ آیا تو نمی دانی که با این کارت، او را تحقیر

ص: ۵۷

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۴۳، ح ۸.

۲- کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۵، ص ۸۲۱، ح ۱۴۴۸۲.

کرده ای؟! [بهوش باش و] همواره تواضع پیشه کن که خداوند متواضعان را دوست دارد و متکبران و فخر فروشان را دشمن می دارد.

همچنین باید توجه داشت که هدیه دادن یکی از اموری است که سبب جلب دوستی ها و محبت ها می شود و کینه ها و کدورت ها را از بین می برد. این جمله از پیامبر مشهور است که:

تَهَادُوا تَحَابُّوا. تَهَادُّوا فَإِنَّهَا تَدْهَبُ بِالضَّغَائِنِ. (۱)

هدیه بدهید تا دوستی ها را به خود جلب کنید. هدیه بدهید؛ چرا که این عمل، کینه ها را برطرف می سازد.

در اینجا با تأکید بر اهمیت هدیه دادن برای پایداری دوستی ها، تذکر نکاتی را لازم می دانیم:

۱. آنچه امروزه در بین ما مرسوم شده است که به عنوان چشم روشنی، به هنگام عروسی، تولد فرزند یا خانه خریدن دوستان و آشنایان به آنها هدیه می دهیم، با اینکه در جای خود، عملی نیک و پسندیده است، ولی مقداری از روال معمولی و صحیح خود خارج شده و گاهی به صورت موضوعی تحمیلی درآمده است که از ارزش این عمل می کاهد؛ زیرا هیچ لزومی ندارد هدیه ما گران قیمت باشد. آنچه ارزش دارد، این است که هدیه، نشانه ای از محبت و دوستی ما با خود به همراه داشته و به دور از هرگونه پیرایه و ظاهرسازی بیانگر علاقه قلبی ما به طرف مقابل باشد.

اگر به روایات وارد شده در این زمینه توجه کنید، درمی یابید که در هیچ کدام از آنها، به بالا بودن میزان ارزش هدیه و قابل توجه بودن کمیت آن سفارش نشده و تنها اثر هدیه و الفت و انسی که از طریق آن ایجاد می شود،

ص: ۵۸

مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا به قول معروف، هرچه از دوست رسد، نیکوست، حتی اگر هیچ ارزش مادی نداشته باشد.

کلامی از رسول گرامی اسلام، درستی ادعای ما را تأیید می کند، آنجا که می فرماید:

مَا أَهْدَى الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ عَلَى أَخِيهِ هَدِيَّةً أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةٍ حِكْمَةٍ يَرِيْدُهُ اللَّهُ بِهَا هُدًى وَيَرُدُّهُ عَنْ رَدِي. (۱)

هیچ مسلمانی به برادر خود، هدیه ای باارزش تر از کلام پندآموز و حکمت آمیز تقدیم نکرده است. کلامی که خداوند به وسیله آن بر هدایت برادر او می افزاید و از گمراهی دورش می سازد.

۲. هنگام هدیه دادن، نباید توقع جبران آن را داشته باشیم. البته درست است که فرد هدیه گیرنده وظیفه دارد تا آنجا که می تواند، به منظور پایداری هرچه بیشتر دوستی ها، احسان و نیکی برادر یا خواهر ایمانی اش را جبران کند، ولی نباید به هدیه دادن به چشم یک معامله نگاه کنیم و همواره در انتظار گرفتن هدیه متقابل باشیم، بلکه به فرموده امام علی علیه السلام که می فرماید:

عُدْ مَنْ لَا يَعُوْدُكَ وَ أَهْدِ إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ. (۲)

به دیدار کسی که به دیدارت نمی آید، برو و به کسی که به تو هدیه نمی دهد، هدیه بده.

تنها باید به فلسفه والای هدیه توجه کنیم و جز در پی جلب محبت ها نباشیم.

۳. اگر خدای نخواستہ کسی بخواهد با هدیه و چشم روشنی، دل شما را به دست آورد تا باطلی را حق و حقی را باطل جلوه دهید یا بر مظلومی تعدی و

ص: ۵۹

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵، ح ۸۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۴، ح ۱۶.

تجاوز روا دارید یا از عمل به وظیفه شرعی و قانونی خود دست بردارید؛ در چنین مواردی باید قاطعانه در مقابل عمل باطل او بایستید و خدا را در نظر آورید و خود را به این عنوان که قبول هدیه لازم است و اشکالی ندارد، فریب ندهید؛ زیرا این وسوسه شیطان است و آن هدیه چیزی جز رشوه نخواهد بود.

## ۱۴. احسان در برابر احسان

۱۴. احسان در برابر احسان

«يُكَافِيءُ صِلَتُهُ؛ نیکی برادر مؤمنش را بی پاسخ نگذارد و مقابله به مثل کند».

یکی از اموری که سبب دوام و پایداری دوستی‌ها و تحکیم و استواری خویشاوندی‌ها می‌گردد، این است که با احسان متقابل، خوبی‌های دیگران را جبران کنیم و آنها را بی پاسخ نگذاریم.

به عنوان مثال، اگر برای شما هدیه‌ای آوردند یا در حق شما لطفی کردند، وظیفه شماست که با پاسخی مناسب و هدیه‌ای متقابل، از دوست یا آشنایی که آن هدیه را برای شما آورده یا آن لطف را در حق شما انجام داده است، تشکر و بدین وسیله ابراز محبت کنید. اگر چنین نباشد، نمی‌توان به بقا و دوام دوستی‌ها و استواری خویشاوندی‌ها امید داشت. به فرموده امام هادی علیه السلام:

لَا تَطْلُبِ الصَّفَاءَ مِمَّنْ كَدَّرَتْ عَلَيْهِ، وَلَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَرَفَتْ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا قَلْبُ غَيْرِكَ لَكَ كَقَلْبِكَ لَهُ. (۱)

نباید از کسی که با او به تندی و خشونت رفتار کرده‌ای، توقع صفا و یک‌رنگی داشته باشی. همچنین نباید انتظار داشته باشی کسی که تو با او با بدبینی برخورد کرده‌ای، با تو با خوش‌بینی و صمیمیت برخورد کند؛ زیرا آنچه تو نسبت به دیگران در دل داری، دیگران نیز همان را نسبت به

ص: ۶۰

تو در دل خواهند داشت.

اگر ما احسان دیگران را بی پاسخ بگذاریم یا خدای نکرده، نیکی دیگران را با بدی جواب گوئیم، باید بدانیم که پس از مدتی، هیچ کس رغبت نخواهد کرد که در حق ما کار خیری انجام دهد.

البته باید این نکته را هم به خاطر داشت که نباید همیشه از دیگران جبران خوبی‌ها و پاسخ نیکی‌هایی را که در حق آنها انجام داده‌ایم، انتظار داشته باشیم، بلکه یکی از نشانه‌های بزرگواری و کمال شخص، احسان و محبت به کسی است که نسبت به او بدرفتاری کرده است. این از خصوصیات پیامبران الهی است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

إِحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَيْرِمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللُّطْفِ وَ الْمُقَارَبَةِ، وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدَلِ، وَ عِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ، وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللَّيْنِ وَ عِنْدَ جُزْمِهِ عَلَى الْعُدْرِ، حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ وَ كَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ. (۱)

اگر دوستت، از تو پیوند گسست، پیوستن او را بر خود هموار ساز و چون از تو رخ برتافت، تو به لطفِ قرابت روی آور و چون بخل ورزید، تو دست بخشش بگشای و چون دوری گزید، تو نزدیک شو و چون درشتی کرد، تو نرمی پیش آر و چون مرتکب خطایی شد، عذرش را بپذیر، آن سان که گویی تو بنده او هستی و او ولی نعمت تو.

بنابراین، در ارتباط با دوستان و آشنایان و به طور کلی برادران و خواهران دینی نباید همیشه منتظر احسانی بود تا در پی جبران آن باشیم، بلکه به خاطر بقای پیوند مودت و محبتی که میان اهل ایمان باید وجود داشته باشد، لازم است در مواردی در برابر نامهربانی‌ها، دوری جستن‌ها، کناره جویی‌ها، بدزبانی‌ها و... کریمانه خویشتن داری کرد و دست از مهربانی، وفا و صمیمیت، خوش‌زبانی و...

ص: ۶۱

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ (وصیت امام علی علیه السلام، به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام)، ص ۳۵۹.

برنداشت. البته این در جایی است که طرف مقابل، لیاقت این رفتار ما را داشته باشد. چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام در ادامه کلامش تذکر می دهد:

وَإِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِيكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ، أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ. (۱)

ولی مبادا که اینها را در غیر مورد خود کنی یا با ناهلان نیکی کنی.

پس باید لیاقت و ارزش هر کس را شناخت و با او چنان که شایسته اوست، رفتار کرد. چنان که سعدی می فرماید:

با بدان بد باش و با نیکان نکو

جای گل، گل باش و جای خار، خار

## ۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری

۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری

«يَشْكُرُ نِعْمَتَهُ؛ قدرشناس نعمت او باشد».

داشتن روحیه قدرشناسی و سپاس گزاری نسبت به دیگران یکی از کمالات انسانی و از خصال اهل ایمان است. بدین بیان که اگر کسی برای ما کاری انجام داد و زحمتی را هرچند ناچیز به خاطر ما متحمل شد، سپاس و امتنان خود را ابراز کنیم تا طرف مقابل متوجه شود ما قدر زحمت های او را دانسته ایم و فرد ناسپاسی نیستیم.

داشتن روحیه طلبکارانه نسبت به دیگران، برخورد متوقعانه با اطرافیان و نادیده گرفتن تلاش ها و زحمت های آنها نشانه بی شخصیتی، خودپسندی و سستی پایه های ایمان فرد است. این نکته در روایات مورد توجه قرار گرفته

ص: ۶۲

است و امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

هر کس لطف و احسان بندگان خدا را سپاس نگوید، خدا را هم به حقیقت شکر نخواهد گزارد.

انسان باید در زندگی نسبت به هر کس که به نحوی در رفع نیازمندی ها و احتیاجات او مؤثر است و موانع و مشکلات را از پیش پای او برمی دارد و در یک کلام، نسبت به همه کسانی که بقا و حیات او بی وجود آنها امکان پذیر نیست، سپاس گزار و قدرشناس باشد و این قدردانی را نیز به نحوی ابراز کند.

البته نباید تنها به امتنان و رضایت قلبی نسبت به زحمات دیگران اکتفا کرد و پیش خود قدردان تلاش دیگران باشیم، بلکه آنچه مهم است، اظهار تشکر زبانی و بیان مراتب قدرشناسی خود نسبت به اعمال دیگران است تا بدین وسیله بتوان در روح و قلب فردی که کاری در حق ما انجام داده است، نفوذ و محبتش را نسبت به خود جلب کرد. در روایات به این امر بسیار سفارش و تأکید شده است.

بنابراین، خواه در برابر زحمات طاق فرسای پدر و مادر خویش یا فداکاری ها و ایثار همسرمان و خواه در برابر تلاش های صادقانه یک دوست یا زحمات بی شایه یک آشنا قرار داشته باشیم، وظیفه داریم نه تنها شاکر و سپاس گزار درگاه خداوند باشیم که منعم حقیقی است، بلکه باید از هر کس از بندگان خدا که به نحوی بر گردن ما حقی دارد، تشکر و سپاس گذاری کنیم.

ص: ۶۳

## ۱۶. مددکاری و یاری رسانی

۱۶. مددکاری و یاری رسانی

«يُحْسِنُ نُصْرَتَهُ؛ او را به نیکویی یاری کند».

دوستی و برادری حکم می کند که انسان از هرگونه کمکی نسبت به دوستان و برادران خود دریغ نرزد و همواره دست خود را برای یاری و مساعدت یاران و نزدیکانش دراز کند.

امام صادق علیه السلام در بیان یکی از حقوقی که مؤمنان نسبت به هم دارند، می فرماید:

أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ. (۱)

بر عهده توست که برادرت را با جان، مال، دست، زبان و قدم [خیر] خود یاری کنی.

بنابراین، یکی از حقوق مسلم افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر، کمک و یاری رسانی به بهترین راه ممکن است. هر کس باید سعی کند باری از دوش دیگر برادران و خواهرانش بردارد و به نحوی آنها را مساعدت کند تا روحیه هم بستگی و تعاون در جامعه تقویت شود و فضای انس و الفت بر جامعه حاکم گردد.

## ۱۷. مراقبت و سرپرستی

۱۷. مراقبت و سرپرستی

«يَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ؛ همسر [و خانواده] او را سرپرستی کند».

هفدهمین حق از حقوقی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر عهده هر یک از افراد جامعه اسلامی گذارده و آنها را موظف به ادای آن کرده، این است که هر فرد مسلمان وظیفه دارد از حریم خانوادگی و ناموس برادر مسلمان خود حراست

ص: ۶۴



و حمایت کند و در غیاب او، مسئولیت حفظ و نگه داری و رفع نیازمندی‌ها و احتیاجات خانواده اش را برعهده گیرد.

این مسئولیت و تعهد افزون بر اهمیتی که از نظر یاری و هم دلی برادران مسلمان نسبت به هم دارد، بیانگر ارزش وجود اعتماد و اطمینان میان برادران مسلمان و پاک دامن‌ی و نجابت میان آنان نیز هست تا آنجا که هر یک از آنها می‌توانند برای ناموس دیگری، محافظی امین باشند و وظیفه سرپرستی خانواده یکدیگر را برعهده گیرند.

این احساس اعتماد و اطمینان متقابل از مسئله «سرپرستی» بسیار ارزشمندتر است؛ یعنی ارزش اخلاقی پاک دامن‌ی، امانت داری و عفت نظر که موجب حصول این حالت اعتماد و آرامش خاص نسبت به برادران مسلمان می‌شود، چنان والا و گران قدر است که ارزش حمایت و سرپرستی را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ زیرا تا شما نتوانید به کسی اطمینان خاطر یابید و نسبت به امانت داری او یقین حاصل کنید، نمی‌توانید مسئولیت خانه و خانواده تان را در غیاب خود به او بسپارید.

برای اطلاع از چگونگی حصول این حالت اعتماد و اطمینان در میان اهل ایمان، نسبت به یکدیگر، باید چند خصیصه ارزشمند اخلاقی را بشناسیم:

عفت و پاک دامن‌ی

عفت و پاک دامن‌ی از سجایای اخلاقی و نشانه طبع بلند و همت والای شخص است. کسی که تن به لذت حرام نمی‌دهد و خود را از آلودگی به ناپاکی‌ها حفظ می‌کند، در واقع، شخصیت انسانی خود را بالاتر و والاتر از این می‌داند که تن به ذلت گناه دهد و در پرتگاه فساد و تباهی سقوط کند.

ارزش انسانیت و کرامت آدمی در چنان حدی از عظمت و اوج قرار دارد که راضی شدن به معصیت خداوند و تن دادن به امور پست و بی‌مقدار دنیایی،

به بهای خشم و غضب خداوند و عذاب آخرت و به قیمت محروم ماندن از نعمت های الهی و بهشت جاویدان، چیزی جز نشانه بی خردی فرد، کمبود شخصیت و دناات طبع او نیست. قرآن کریم چنین مردم بی خردی را که بی هیچ درنگ و تأمل، دوزخ را برای خویش برمی گزینند، از حیوانات نیز پست تر و گمراه تر می داند:

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أذانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا وَأُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. (۱)

در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم. [چرا که] دل هایی دارند که با آن [حقایق] را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه ترند. [آری،] آنها همان غافل ماندگانند.

همان اندازه که نجابت و پاک دامنی ارزشمند و پسندیده است، در مقابل آن، بی عفتی، ناپاکی نگاه و آلودگی به لذات حرام، نکوهیده و مورد سرزنش است.

رسول گرامی اسلام در مورد نظر به نامحرم و نگاه حرام می فرماید:

لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنا، فَالْعَيْنُ زِنَاهَا النَّظَرُ... (۲)

برای هر عضوی از اعضای انسان، بهره ای از [گناه] زنا وجود دارد. پس زنا چشم، نگاه حرام است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

وَمَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ وَ

ص: ۶۶

۱- سوره اعراف ۷، آیه ۱۷۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۵.

هر کس در این دنیا، چشم خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت، چشمان او را از آتش پر می کند، مگر اینکه توبه کند و از کار خود برگردد.

البته در مورد کسی که به خاطر خدا، از نگاه حرام صرف نظر کند، پاداش و ثوابی قرار داده است که در روایات ما به آن نیز اشاره شده است. از جمله این روایت رسول خاتم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

النَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ (۲)

نگاه [حرام]، تیری مسموم از تیرهای شیطان است. پس هر کس آن را از ترس خدا ترک کند، خداوند به او ایمانی ارزانی می دارد که شیرینی آن را در قلبش احساس می کند.

همچنین این روایت پیشوای صادق ما، امام ششم که می فرماید:

مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ، أَوْ غَضَّ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدِّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ (۳)

هر کس نگاهش به زن نامحرمی بیفتد [، ولی برای خودداری از ارتکاب حرام]، نگاهش را به آسمان بدوزد یا چشمانش را ببندد، [در مقابل]، خداوند نیز قبل از آنکه او دیدگانش را بگشاید، یکی از زنان سیه چشم بهشتی را برایش تزویج می کند.

برای نجات و رهایی از نگاه به نامحرم، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. در نظر داشتن پاداشی که برای ترک این گناه منظور شده است. با دل

ص: ۶۷

۱- همان، ص ۳۲، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۲، ح ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ح ۹.

بریدن از لذات گذرا و آنی دنیا به خاطر رسیدن به لذات دایم و بی مانند جهان آخرت و سرای جاویدان الهی، می توان بر چشم خود مسلط شد و آن را از آلودگی به حرام پاک نگه داشت.

۲. توجه به حضور و علم و اطلاع خداوند نسبت به اعمالی که ما انجام می دهیم. وقتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال می کنند که چگونه می توان بر حفظ چشم از نگاه حرام قدرت پیدا کرد؟ آن حضرت پاسخ می دهد:

بِالْحُمُودِ تَحْتَ سُلْطَانِ الْمُطَّلِعِ عَلَى سِتْرِكَ. (۱)

با احساس حضور در پیشگاه حاکم مقتدری که بر امور مخفی تو آگاه است.

از همین روست که بعضی از علمای اخلاق، تکرار آیه ذیل را که بیان کننده علم و اطلاع خداوند بر امور مخفی و آشکار دنیاست، برای قدرت پیدا کردن بر محافظت چشم از نگاه حرام سفارش کرده اند:

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ. (۲)

[خدا] نگاه های دزدانه و آنچه را دل ها نهان می دارند، می داند.

۳. توجه به آگاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از اعمال پیروان خود و اینکه اعمال همه ما بر آنها عرضه می شود.

در آیات و روایات متعددی بر این نکته تصریح شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام از رفتار و کردار مردمان آگاه بوده و از هر آنچه بر آنها می گذرد، باخبرند.

در یکی از آیات قرآن در این زمینه چنین آمده است:

ص: ۶۸

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱، ح ۵۲.

۲- سوره مؤمن ۴۰، آیه ۱۹.

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (۱)

و بگو: [هر کاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید، پس شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد.

امین الاسلام طبرسی در ذیل آیه یاد شده می فرماید:

این دستوری از سوی خدای سبحان به پیامبرش است که به مکلفان بگوید: به هر آنچه خداوند شما را امر کرده عمل کنید...؛ چرا که خداوند به زودی عمل شما را می بیند... برخی گفته اند مراد از دیدن در اینجا دانستن و آگاه بودن است...؛ یعنی خدای تعالی از کارهای شما آگاه است و در برابر آنها به شما پاداش می دهد و پیامبر او نیز اعمال شما را می بیند و از آن آگاه است و از این رو نزد خداوند متعال به نفع شما گواهی می دهد. همچنین مؤمنان نیز اعمال شما را می بیند.

گروهی گفته اند: در اینجا منظور از مؤمنان، شهدا هستند و برخی گفته اند منظور از آنها فرشتگان و حافظانی هستند که اعمال مردم را می نویسند، (۲) اما اصحاب ما [امامیه] روایت کرده اند که اعمال این امت در هر روز دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر عرضه می شود و ایشان از آنها آگاه می شود. همچنین این اعمال بر امامان هدایت: نیز عرضه می شود و آنها نیز از اعمال مردم مطلع می شوند و مراد از «مؤمنان» در این آیه نیز همان ها هستند. (۳)

موضوع یاد شده در جوامع روایی شیعه نیز مورد توجه قرار گرفته است، تا آنجا که بسیاری از محدثان، بابتی از کتاب خود را به نقل روایاتی که در این

ص: ۶۹

۱- سوره توبه ۹، آیه ۱۰۵.

۲- سوره توبه ۹، آیه ۱۰۵.

۳- ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارءاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۶۹.

زمینه وارد شده، اختصاص داده اند. (۱)

براساس روایاتی که در این باب نقل شده است، اعمال مردم هر صبح و شام به حضور حجت و امام عصر عرضه می شود و ایشان از اعمال خوب و پسندیده مردم شاد و از اعمال ناشایست آنها اندوهگین می شوند.

در اینجا برای روشن تر شدن موضوع به برخی از روایاتی که در این زمینه از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است، اشاره می کنیم:

ابوبصیر در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارَهَا وَفُجَارَهَا فَأَخِيذَرُوهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «إِعْمَلُوا فَيَسِّرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ». (۲)

اعمال نیک و بد همه بندگان هر صبحگاه بر پیامبر عرضه می شود. پس مراقب باشید. این سخن خدای تعالی است که: «و بگو [هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبرش در کردار شما خواهند نگریست».

در روایت دیگری «سماعه» نقل می کند که روزی امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا لَكُمْ تَسْوُؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟!

چرا فرستاده خدا را اندوهگین می سازید؟

در این هنگام مردی پرسید: چگونه ما او را اندوهگین می سازیم؟ و آن حضرت رد پاسخش فرمود:

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَةً ذَلِكَ

ص: ۷۰

---

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: الکافی، ج ۱، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۳۳۳ - ۳۳۵.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱.

مگر نمی دانید که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می شود و چون گناهی در آن ببیند، اندوهگین می شود؟ پس فرستاده خدا را اندوهگین نکنید و او را شادمان سازید.

اینکه در روایات یادشده، تنها از عرضه اعمال مردم بر پیامبر خدا و آگاهی آن حضرت از رفتار و کردار آنها سخن به میان آمده است، هرگز به معنای انحصار ویژگی یادشده به آن حضرت نیست؛ زیرا این ویژگی از آن حجت های الهی در هر عصر است و امامان معصوم علیهم السلام نیز \_ چنان که خود در موارد متعددی بیان فرموده اند \_ چون پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم از این ویژگی برخوردارند.

مُعَلَّى بن خُنَيس، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر این سخن خدای تبارک و تعالی که «إِعْمَلُوا فَنَسِيرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» فرمود:

هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم وَ الْأَئِمَّةُ. تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ خَمِيسٍ. (۲)

اعمال بندگان در هر پنجشنبه بر پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام عرضه می شود.

یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام نیز می گوید:

روزی به امام رضا علیه السلام عرض کردم: برای من و خانواده ام به درگاه خدا دعا کنید و آن حضرت فرمود:

أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ.

مگر دعا نمی کنم؟! به خدا سوگند که اعمال شما در هر صبح و شام بر من عرضه می شود.

ص: ۷۱

۱- همان، ح ۳.

۲- محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۲.

راوی می گوید: این مطلب بر من سنگین آمد. پس امام به من فرمود:

أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ؟ هُوَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (۱)

مگر تو کتاب خدای عزوجل را نمی خوانی که می فرماید: «و بگو [هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست؟» به خدا که آن مؤمن علی بن ابی طالب است.

امام مهدی علیه السلام نیز در یکی از توقیعات شریف خود که خطاب به شیخ مفید رحمه الله صادر شده است، به آگاهی و اطلاع کامل خود بر احوال شیعیان اشاره کرده و می فرماید:

فَإِنَّا نُحِيطُ [يُحِيطُ] عِلْمًا [عِلْمُنَا] بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ. (۲)

ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا در برخی روایات گفته شده که اعمال مردم هر شبانه روز بر پیامبر یا ائمه علیهم السلام عرضه می شود و در برخی دیگر گفته شده که اعمال مردم هر پنج شنبه بر این حضرات عرضه می گردد؟ در پاسخ باید گفت این دو دسته روایات هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا احتمال دارد افزون بر عرضه روزانه اعمال مردم بر حجت های خدا، در هر پنج شنبه نیز اعمال یک هفته مردم به صورت یک جا بر آنها عرضه شود. (۳)

ص: ۷۲

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۴.

۲- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳- مولی محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۲۹۱.



«يَقْضِي حَاجَتَهُ، وَ يَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ؛ نِيازمندی او را برآورده سازد و درخواست او را پاسخ گو باشد».

یکی از عبادات ارزشمند الهی و یکی از بهترین اعمال صالح، تلاش برای رفع نیازمندی ها و احتیاجات برادران و خواهران ایمانی و یاری کردن آنها در رسیدن به خواست ها و حوایجشان است.

همچنین این مسئله یکی از ضرورت های زندگی اجتماعی و شرط انکارناپذیر برادری و پیوند میان اهل ایمان است. در واقع، بدون رسیدگی جدی به حال دوستان و اطرافیان، دوستی و خویشاوندی، مفهوم خود را از دست می دهد و جز یک شعار بی معنی نخواهد بود.

از همین رو، مکتب انسان ساز اسلام که همواره در پی ایجاد پیوند برادری و روح هم بستگی میان پیروان خود و به طور کلی همه انسان هاست، به این موضوع بسیار توجه کرده و مسلمانان را به یاری و هم دلی با یکدیگر و توجه به نیازمندی ها و احتیاجات افراد پیرامون خود فراخوانده است. حتی پیامبر اسلام، این موضوع را از شرایط اسلام و مسلمانی ذکر می کند و می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۱)

هر کس صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد، از آنها نیست. هر کس بشنود مردی از او یاری می طلبد، ولی جوابش را نگوید، مسلمان نیست.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

ص: ۷۳

مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً أَدْنَاهُنَّ الْجَنَّةُ. (۱)

هر کس حاجتی از برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خداوند نیز در مقابل، حوائج و درخواست های فراوانی را از او برآورده می سازد که کمترین آنها بهشت است.

پس بی دلیل نبوده است که شاعر در وصف گره گشایی چنین سروده است:

صدها فرشته بر آن دست بوسه می زنند

کز کار خلق یک گره بسته وا کند

ائمه معصومین علیهم السلام نیز به موضوع برآوردن حوائج مؤمنان و مشکل گشایی از آنان بسیار توجه کرده و در کلمات خود فضایل بی شماری برای این موضوع برشمرده اند. امام صادق علیه السلام، در این زمینه می فرماید:

قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَاجَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَعِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِرَجَاءِ اللَّهِ ... (۲)

برآوردن حاجات مؤمن از هزار حج مورد قبول و آزاد کردن هزار بنده به خاطر خدا، باارزش تر است.

بعضی از اصحاب امام محمدباقر علیه السلام به ایشان عرض کردند: «شیعه در جامعه ما زیاد است.» امام فرمود: «آیا بی نیاز نسبت به نیازمند عطوفت و مهربانی می کند؟ آیا نیکوکار از خطا کار می گذرد و آیا در مسائل مالی به همدیگر کمک می کنند؟» در جواب حضرتش گفته شد: «خیر». آن گاه آن جناب فرمود:

ص: ۷۴

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵، ح ۷.

۲- همان، ح ۵.

لَيْسَ هَؤُلَاءِ الشَّيْعَةَ، الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَكَذَا. (۱)

پس اینها شیعه نیستند؛ چون شیعه کسی است که این طور عمل کند.

در روایات ما کسی که نیازمندی را از در خانه خود براند یا جهت رفع مشکل برادر دینی خود قدم بردارد، خائن به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، معرفی و وعده عذاب الهی به چنین افرادی داده شده است. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا اسْتَعَانَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُبَالِغْ بِكُلِّ جَهْدِهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ. (۲)

هر یک از یاران ما که یکی از برادرانش هنگام نیاز از او یاری بطلبد، ولی تمام توان خود را برای او به کار نبندد، به خدا، رسول او و مؤمنان خیانت کرده است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً، مِنْ ضُرٍّ، فَمَنَعَهُ، مِنْ سَيِّعِهِ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعْلُومٌ يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ. (۳)

هر کس برادر مؤمنش را که با درماندگی و با امید برآورده شدن حاجتی به پیش او آمده است، از خود براند، در حالی که خود او به تنهایی یا توسط دیگری توان برآورده ساختن نیاز آن برادر مؤمن را دارد، خداوند در روز قیامت، او را در حالی که دستانش به گردنش بسته شده است، محشور می سازد و به این حال نگاه می دارد تا آن گاه که از حساب خلق

ص: ۷۶

۱- همان، ص ۳۱۳، ح ۶۹.

۲- همان، ج ۷۵، ص ۱۷۵، ح ۷.

۳- همان، ج ۷۴، ص ۲۸۷، ح ۱۳.

فراغت یابد.

آری، مسلمانی تنها به زبان نیست، بلکه بسیار فراتر از تصور ماست. وظیفه ای که با پذیرش اسلام برعهده تک تک ما گذاشته می شود، چنان سنگین و بزرگ است که هر کس نمی تواند به سادگی ادعا کند که توانسته است به وظیفه مسلمانی خود عمل کند. به قول خواجه حافظ شیرازی:

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد

آه اگر از پی امروز بود فردایی

نمی شود مسلمان بود، ولی نسبت به گرسنگی و تشنگی دیگر مسلمانان بی اعتنا ماند. نمی توان ادعای اسلام کرد و از فریادرسی نسبت به دیگران چشم پوشید. وظیفه اسلامی و انسانی ما حکم می کند که برای دردمندان جامعه خویش چاره جویی کنیم و به یاری آنها بشتابیم و بدانیم که خداوند این حق را بر گردن ما گذاشته است و باید آن را نسبت به صاحبانش ادا کنیم. امام صادق علیه السلام در بخشی از حدیثی که در آن به بیان حقوق لازم برادران مسلمان می پردازد، می فرماید:

الْحَقُّ الْخَامِسُ، أَنْ لَا تَشْبَعَ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَزُوِي وَ يَظْمَأُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَغْرِي. (۱)

پنجمین حق برادر مسلمانان این است که نباید در حالی که او از گرسنگی رنج می برد، تو سیر و در حالی که او تشنه است، تو سیراب باشی و در حالی که او برهنه و بی پوشش است، تو جامه بر تن داشته باشی.

اگر مسلمانی، این گونه وظایف خود در برابر برادران و خواهران مسلمان خود عمل کند، خداوند نیز عمل خیر او را بی پاسخ نمی گذارد و پاداشی بزرگ به وی عطا می کند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ كَسَى أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عُرْيٍ، كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ سُنْدُسِ الْجَنَّةِ وَ إِسْتَبْرَقَهَا وَ حَرِيرَهَا وَ لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رِضْوَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى الْمَكْسُوِّ مِنْهُ سِلْكٌ. (۲)

کسی که برادر مؤمن خود را با اهدای پیراهنی از برهنگی بپوشاند، خداوند، او را با پارچه های بهشتی خواهد پوشاند و تا هنگامی که بر آن شخص تکه ای از آن پیراهن باقی باشد، پوشاننده در رضوان الهی به سر می برد.

در جای دیگر نیز می فرماید:

وَ مَنْ أَطْعَمَ أَخَاهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ رِيَّةً... (۳)

هر کس برادر گرسنه اش را سیر کند، خداوند، او را از غذاهای بهشتی سیر می کند و هر کس وی را از تشنگی سیراب کند، خداوند، او را از آب دست نخورده بهشتی (رحیق مختوم) سیراب می کند.

بنابراین، با توجه به مسئولیت سنگینی که در برابر دیگر افراد جامعه داریم و همچنین با در نظر داشتن فضیلت والای برآوردن  
حوایج و درخواست های دیگران، باید نکات زیر را همواره در نظر داشته باشیم:

۱. قبل از آنکه برادر یا خواهر دینی مان به ما مراجعه کند، حاجتش را برآوریم و در رفع مشککش بکوشیم.

۲. اگر برادر یا خواهر مسلمانی برای درخواست حاجتی به ما مراجعه کرد، نهایت سعی خود را به کار بریم تا ناامید از پیش ما  
برنگردد و مطمئن

ص: ۷۷

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۴، ح ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۹۴، ح ۱۱.

۳- همان .

باشیم هر قدمی که در راه برآوردن نیاز مسلمانی دردمند برمی داریم، در پیشگاه خداوند محفوظ است و حتی قطره عرقی که در این مسیر بر پیشانی ما می نشیند، نزد خداوند دارای اجر و ثواب خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ عَرَقَتْ جَبْهَتُهُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُعَذِّبْهُ بَعْدَ ذَلِكَ. (۱)

خداوند عزّ وجلّ، کسی را که در مسیر برآوردن نیاز برادر دینی اش عرق بر پیشانی اش نشسته است، عذاب نخواهد کرد.

## ۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه

۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه

«وَيُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ؛ هرگاه عطسه کرد برای او دعا کند».

مکتب اسلام در ترسیم روابط اجتماعی مؤمنان حتی نکات به ظاهر ساده و کم اهمیت را از نظر دور نداشته و با چنان دقتی همه مصادیق و موارد این روابط را برشمرده است که انسان را به تعجب وامی دارد.

شاید برای بسیاری از ما این موضوع که باید به هنگام عطسه برادر یا خواهر مؤمن خود، برای او دعا و با گفتن جملاتی چون «يَرْحَمَكَ اللَّهُ؛ خدا به تو رحم کند» یا «عافاك الله؛ خدا تو را به سلامت بدارد» برای او آرزوی سلامتی کنیم، موضوعی ساده و کم اهمیت جلوه کند، ولی همین موضوع به ظاهر ساده و کم اهمیت از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر پیشوایان دین یکی از حقوق مؤمنان به شمار آمده و در روایات متعددی بر آن تأکید شده است.

پیامبر گرامی اسلام در روایتی که در آن به چند حق از حقوق مسلمانان بر یکدیگر اشاره کرده است، می فرماید:

ص: ۷۸

---

۱- محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تهران، مکتبه الصدوق، باب ۷۵۲، ح ۱۹.

... حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ... وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمَّتُهُ. (۱)

... و هر گاه عطسه کرد و «الحمد لله» گفت او را [با گفتن جمله «يَرْحَمَكَ اللَّهُ»] دعا کن.

در روایتی که داوود بن حفص از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، در این زمینه، چنین می خوانیم:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِذْ عَطَسَ فَهَمَمْنَا أَنْ نُسَمِّتَهُ فَقَالَ: أَلَا سَمَّيْتُمْ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ أَرْبَعِ خِصَالٍ: إِذَا عَطَسَ أَنْ يُسَمِّتَهُ وَ... (۲)

خدمت اباعبدالله [امام صادق علیه السلام] بودیم که آن حضرت عطسه کرد. خواستیم که ایشان را [با گفتن جمله «یرحمک الله»] دعا کنیم که خود فرمود: آیا دعا نمی کنید؟ همانا چهار ویژگی از حق مؤمن بر مؤمن است: هنگامی که عطسه کرد او را دعا و برایش آرزوی سلامتی کند و... .

روایات دیگری نیز در این زمینه وارد شده است که به همین مقدار بسنده می کنیم. (۳)

## ۲۱. راهبری به مقصود

۲۱. راهبری به مقصود

«يُزْشِدُ ضَالَّتَهُ؛ او را در یافتن گم شده اش راهنمایی کند».

یکی دیگر از وظایفی که ما نسبت به جامعه خود بر عهده داریم، یاری و مساعدت دیگران در یافتن گم شده شان و راهنمایی آنها در به دست آوردن مقصود و مطلوبشان است. این وظیفه بیانگر نوعی احساس هم دردی

ص: ۷۹

۱- کنز العمال، ج ۹، صص ۲۸ و ۲۹، ح ۲۴۷۷۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۷، ح ۱۵.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: همان، ص ۵۴۵، ح ۹، ص ۵۴۹، ح ۲۱ و ص ۵۵۰، ح ۲۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح

و دل جویی نسبت به برادران و خواهران ایمانی است.

در اینجا تفاوتی ندارد که گم شده از امور جزئی و کم اهمیت باشد یا هدف و مقصودی که فرد به تنهایی قادر به رسیدن به آن نیست و نیازمند یاری و کمکی است که بتواند با تهیه مقدمات و امکانات لازم به آن هدف برسد.

در هر حال، نکته مهم و قابل توجه این است که ما به گونه ای به دوست و برادر ایمانی مان بفهمانیم که به وضع و حال او توجه داریم و از مسائل و مشکلات او غافل نیستیم تا گمان نبرد که ما نسبت به او بی اعتنا و به خیر و شر زندگی او بی توجه هستیم و هیچ احساسی در مورد مشکلات و گرفتاری های او نداریم. به بیان دیگر، در این گونه موارد حتی اگر هیچ کاری هم از دستمان برنمی آید، دست کم باید با ابراز هم دردی و دلداری دادن به دوست و برادر خود مایه دل گرمی و امید او شویم.

به قول سعدی شیرین سخن:

گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم

ورت ز دست نیاید، چو سرو آزاد باش

## ۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق

### اشاره

۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق

«يَرُدُّ سَلَامَهُ وَ يُطَيِّبُ كَلَامَهُ؛ سلامش را پاسخ گوید و با او به خوبی صحبت کند».

یکی دیگر از نکات اساسی در معاشرت و برخورد با دیگران این است که هنگام روبه رو شدن با افراد اعم از آشنا و غیر آشنا، اولاً پاسخ سلام آنها را به شایستگی بدهیم و ثانياً در برخورد با آنها گشاده رو، متبسم و فروتن باشیم و با آنها به نیکویی سخن گوئیم.

ص: ۸۰



با کمال تأسف، بعضی افراد هنگام برخورد با دیگران \_ نعوذ بالله \_ انگار که «برج زهر مار»! اخمو، خشک و بی روح اند؛ گویی که از همه انتظار سلام و تعظیم دارند، ولی خود هیچ وظیفه ای نسبت به دیگران بر عهده ندارند.

پیامبر گرامی اسلام که اشرف مخلوقات و گل سرسبد عالم خلقت است، چنان در برخورد و رفتار با دیگران، متواضع و فروتن بود و چنان با حسن خلق و روی گشاده با دیگران روبه رو می شد که حتی دشمنان آن حضرت نیز تعجب می کردند.

ابوسعید خدری، یکی از صحابه در وصف آن حضرت می گوید:

كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ] خَفِيفَ الْمُؤُونَةِ كَرِيمَ الطَّبِيعَةِ وَ جَمِيلَ الْمُعَاشَرَةِ، طَلَقَ الْوَجْهَ، بَسَامًا مِنْ غَيْرِ ضِحْكٍ: مَحْزُونًا مِنْ غَيْرِ عُبُوسٍ. (۱)

او [رسول خدا] در زندگی، سادگی و بی پیرایگی را انتخاب کرده بود، طبعی بزرگ داشت. معاشرتش [با مردم] زیبا و پسندیده بود. چهره ای گشاده داشت. بی آنکه بخندد، همراه لبخندی بر لب داشت و بی آنکه چهره اش گرفته و درهم باشد، محزون به نظر می رسید.

در جایی دیگر، به نقل از انس بن مالک، آن حضرت این گونه توصیف شده است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا. (۲)

پیامبر خدا، خوش خوترین مردم بود.

یکی از همسران آن حضرت، ایشان را چنین وصف می کند:

ص: ۸۱

---

۱- سید محمد حسین طباطبایی، سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم)، ترجمه:

عباس عزیزی، چاپ هشتم، قم، صلاه، ۱۳۸۵، ص ۸۰، ح ۹۱؛ همچنین بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۰۸.

۲- ابو عبد الله محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ج ۱، ص ۳۶۴.

كَانَ أَلْيَنَ النَّاسِ وَ أَكْرَمَ النَّاسِ وَ كَانَ رَجُلًا مِّن رِّجَالِكُمْ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ ضَحَّاكَ بَسَامًا. (۱)

رسول خدا نرم خوترین و بزرگواریترین مردم بود. او همانند دیگر مردان، ولی بسیار گشاده رو بود و همیشه تبسم بر لبانش نقش بسته بود.

از این رو، شایسته است همه کسانی که خود را پیرو آن حضرت می دانند، در زندگی روزانه و در تماس ها و برخوردهایشان با دیگران، خوش رویی و حسن معاشرت را پیشه خود سازند و تا آنجا که در توان دارند، رفتارشان را مشابه رفتار آن حضرت گردانند.

خود آن حضرت خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَشْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا... أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا، أَعْظَمُكُمْ حِلْمًا وَ أَبْرُّكُمْ بِقَرَابَتِيهِ، وَ أَشَدُّكُمْ مِّنْ نَفْسِهِ إِِنْصَافًا. (۲)

آیا می خواهی بدانی که شبیه ترین شما، از نظر خلق و خو، به من چه کسی است؟ ... کسانی از شما که اخلاقش، نیکوتر؛ بردباری اش، بیشتر؛ نسبت به نزدیکانش، خوش رفتارتر و در رفتار با دیگران، باانصاف تر باشد.

بنابراین، تنها با توجه به زیادی عبادت و فراوانی نماز و روزه نمی توان گفت ایمان شخصی کامل تر و پیروی اش از رسول الله صلی الله علیه و آله بیشتر است، بلکه نوع برخورد با مردم نیز ملاک مهمی در تشخیص میزان پیروی شخص از دستورهایی اسلام است. چنان که وقتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض می کنند: «فلان شخص روزها را به روزه داری و شب ها را به عبادت می گذراند، ولی بسیار بدخلق است و با همسایگانش بدزبانی می کند»، آن حضرت می فرماید:

ص: ۸۲

---

۱- همان، ص ۳۶۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۹، ح ۲.

لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (۱)

در چنین فردی خیری نیست؛ او از اهل جهنم خواهد بود.

رسول گرامی اسلام در حدیثی دیگر می فرماید:

إِنَّ صَاحِبَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. (۲)

پاداش انسان خوش خلق همانند پاداش روزه دار شب زنده دار است.

و در جایی دیگر می فرماید:

أَشْرَفُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا. (۳)

باارزش ترین شما نزد خداوند کسی است که از همه خوش اخلاق تر باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ. (۴)

خلق نیکو در رأس همه نیکویی هاست.

در ادبیات زیبای فارسی نیز آمده است:

نیکو گفته ست یزدان مر رسول خویش را

خوی نیکوست ای برادر گنج نیکی را کلید (۵)

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که حسن خلق چه شاخص هایی دارد و با رعایت چه نکاتی می توان به این صفت آراسته شد؟

ص: ۸۳

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۹۴، ح ۶۳.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۵.

۳- کنز العمال، ج ۳، ص ۲۰، ح ۵۲۴۸.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۴۸۵۷.

۵- ناصر خسرو.

پاسخ این پرسش را با روایتی از امام صادق علیه السلام بیان می کنیم. آن حضرت در پاسخ این پرسش که: «حدود حسن خلق چیست؟» می فرماید:

تَلَيْنُ جَانِبَكَ، وَ تُطَيِّبُ كَلَامَكَ، وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ (۱).

[حسن خلق به این است که:] فروتنی و پیشه کنی، به نیکویی سخن گویی و با برادرت با خوش رویی برخورد کنی.

اینک برای تکمیل بحث، سه حدود اصلی را که امام صادق علیه السلام برای حسن خلق برشمرده است، به تفکیک بررسی می کنیم:

## الف) فروتنی

الف) فروتنی

در این زمینه روایات بسیاری وارد شده است که از آن جمله می توان به این کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره کرد:

إِيَّاكَ وَ الْكِبْرَ، فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الذُّنُوبِ وَ أَلَمُّ الْعُيُوبِ وَ هُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ (۲).

از تکبر و خودپسندی دوری کن که آن از بزرگ ترین گناهان، دردناک ترین [و تحمل ناپذیرترین] عیوب و زینت شیطان است.

جای تعجب و حیرت است چگونه موجودی که به تعبیر امام علی علیه السلام، دیروز نطفه ای بی ارزش بوده و فردا مرداری گندیده خواهد بود، (۳) به خود مغرور می شود و خود را از همه عالم و آدم برتر می داند، در حالی که می تواند با برخوردی شایسته و همراه با فروتنی، بسیار بهتر در دل اطرافیانش جای گیرد و سبب احترام و بزرگداشت حقیقی نسبت به خود شود.

مگر نه این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عین جلالت و بلندی مقام، چنان در

ص: ۸۴

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۲۶۵۲.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶، ص ۴۴۲ «عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ عَمْدًا جِيفَةً؛ در شگفتم از متکبر که دیروز نطفه بود و فردا مرداری بیش نخواهد بود».

اوج فروتنی و وقار بود که همه را شیفته خلق و خوی خود می کرد. پس بیاییم کاری کنیم که اطرافیان ما به خاطر محبت قلبی که از ادب و تواضع ما در دل دارند، به ما احترام گذارند، نه به خاطر ترس و دلهره ای که از رفتار متکبران و خودپسندان ما در آنها حاصل شده و موجب احترام ظاهری گردیده است.

به قول حافظ، منافاتی میان حفظ شخصیت ظاهری و فروتنی با مردم نیست:

نگه کردن به درویشان منافی بزرگی نیست

سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش

## (ب) خوش زبانی

(ب) خوش زبانی

دومین مشخصه حسن خلق، به نیکویی سخن گفتن با مردم و خوش زبانی با ایشان است؛ بدین معنا که انسان سعی کند گفتارش با دیگران همراه با نرمی و ملاحظت و رعایت ادب و احترام باشد و از به کار بردن کلمات توهین آمیز و عبارات زشت و ناپسند در صحبت هایش خودداری کند. در یک کلام، با مردم آن گونه سخن بگویند که دوست دارد با او سخن گویند. چنان که امام محمدباقر علیه السلام در این باره می فرماید:

قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ. (۱)

با مردم به زیباترین شیوه ای که دوست دارید آنها با شما سخن گویند، صحبت کنید.

پس بیاییم بیشتر در سخن گفتن خود بیندیشیم و همه چیز را بر زبان

ص: ۸۵

جاری نسازیم و زبان را از سخنان ناروا حفظ کنیم که به فرموده امام علی علیه السلام:

حِفْظُ اللِّسَانِ وَ بَدَلُ الْاِئْخْسَانِ مِنْ اَفْضَلِ فَضَائِلِ الْاِنْسَانِ. (۱)

حفظ زبان و احسان [به دیگران] از برترین فضیلت های انسانی است.

و چه نیکو سروده است سعدی که:

مزن بی تأمل به گفتار دم

نکو گو اگر دیر گویی چه غم

### ج) خوش رویی

ج) خوش رویی

بخش عمده ای از حسن خلق را گشاده رویی و حسن معاشرت در برخورد با دیگران تشکیل می دهد و شایسته است که همواره در ملاقات با اطرافیان خود آن را در نظر داشته باشیم.

در این موضوع، هیچ تفاوتی ندارد که با چه کسی روبه رو هستیم و آیا رابطه طرف مقابل با ما دور است یا نزدیک. در هر حال باید با هر کس که سر و کار داریم، خواه پدر و مادر، برادر و خواهر و دوستان و آشنایان و خواه همکاران، هم کلاسی ها و کسانی که روزانه در اجتماع با آنها برخورد داریم، خوش رفتاری را رعایت کنیم.

به تعبیر امام صادق علیه السلام، یکی از سه چیزی که بهشت را بر انسان واجب می کند، «خوش رویی با همه اهل عالم» است:

ثَلَاثٌ مَنْ اَتَى اللّٰهَ بِوَاحِدِهِ مِنْهُنَّ اَوْجَبَ اللّٰهُ لَهُ الْجَنَّةَ: الْاِئْتِنَاقُ مِنَ الْاِئْتِنَارِ وَ

ص: ۸۶

الْبَشَرُ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَالْأَنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ. (۱)

سه چیز است که هر کس با یکی از آنها به پیشگاه خدا حاضر شود، خداوند بهشت را بر او واجب می کند: انفاق در حال تنگ دستی، خوش رویی با همه عالم و رعایت جانب انصاف.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَ أَظْهَرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَ الْبَشْرَ، تَتَفَرَّقُوا وَ مَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ. (۲)

هنگامی که با برادران خود ملاقات می کنید، به گرمی دست یکدیگر را بفشیرید و با تبسم و روی گشاده با هم روبه رو شوید [و بدانید] که اگر این کار را انجام دهید، آن گاه که ملاقات شما تمام و از هم جدا می شوید، خداوند همه گناهان شما را آمرزیده است و هیچ آلودگی بر شما باقی نمی گذارد.

بنابراین، در برخورد های روزانه و نشست و برخاست هایمان با دیگران، قبل از هر چیز باید سلام و احوال پرسی همراه با خوش رویی و تبسم را در نظر داشته باشیم و قبل از هر سخن، سلام را بر زبان جاری سازیم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را از پاسخ دادن به سخنان کسی که قبل از سلام شروع به صحبت می کند، نهی کرده است:

مَنْ بَدَأَ بِالْكَلَامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ. (۳)

به کسی که قبل از سلام، شروع به صحبت کرده است، پاسخ ندهید.

ص: ۸۷

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۰، ح ۳.

۳- همان، ص ۳، ح ۶.

همچنین به ما دستور داده است که سلام را در همه حال، بلند و رسا ادا کنیم:

إِفْشِ السَّلَامَ يَكْتُرْ خَيْرٌ بَيْتِكَ. (۱)

سلام را بلند و رسا بیان کنید تا بر برکت خانه تان افزوده شود.

قرآن کریم نیز به ما دستور می دهد که:

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا. (۲)

و چون به شما درود گفته می شود، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید؛ که خدا همواره به هر چیزی حساب رس است.

در ثواب سلام کردن و پیشی گرفتن در آن همین بس که مولای ما علی علیه السلام می فرماید:

لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً، تِسْعٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُتَبَدِّيِّ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ. (۳)

برای سلام کردن، هفتاد حسنه و ثواب قرار داده شده که شصت و نه قسمت از آن برای شروع کننده سلام و یک قسمت از آن برای پاسخ دهنده سلام است.

نکته پایانی اینکه همواره باید توجه داشته باشیم پاسخ دادن به سلام، چنان که در کلام پیامبر عظیم الشان اسلام نیز آمده بود، حقی از حقوق مؤمنان است و اگر ما در این موضوع کوتاهی کنیم، در حقیقت، حقوق برادران مؤمن خود را تضییع کرده ایم.

ص: ۸۸

۱- همان، ص ۵، ح ۸.

۲- سوره نساء ۴، آیه ۸۶.

۳- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱، ح ۴۶.



## ۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری

۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری

«يُرِيْ اِنْعَامَهُ؛ لطف و احسان او را ارج نهاد.»

در بیان چهاردهمین و پانزدهمین وظیفه اجتماعی اهل ایمان گفتیم که همه ما موظفیم خوبی های دیگران را پاسخ دهیم و از زحماتی که دیگر برادران یا خواهرانمان به خاطر ما متحمل می شوند، قدردانی کنیم. در اینجا رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مطلبی کلی تر اشاره می فرماید. مؤمنان باید با کم کردن سطح توقع و انتظاراتشان از یکدیگر، کارهایی را که دیگر برادران و خواهران ایمانی آنها در حق شان انجام می دهند، بزرگ شمارند و برای آنها ارزش قائل شوند.

به عبارت دیگر، در اینجا کمیت و میزان عملی که دوست، خویشاوند، همکار و در یک کلام، برادر یا خواهر مؤمن ما به خاطر ما انجام داده یا مقدار زحمتی که متحمل شده است، به هیچ وجه مطرح نیست و تنها بر این اساس که لطف و احسانی از ناحیه آن برادر یا خواهر ایمانی سر زده و همین برای قدردانی کافی است، باید به ارزیابی تلاش های دیگران پردازیم.

به قول حافظ شیرازی:

ز سنگ تفرقه خواهی که منحنی نشوی

مشو بسان ترازو تو در پی کم و بیش

پس اگر کسی برای ما هدیه ای آورد یا برای ما کاری انجام داد یا ما را به

مهمانی دعوت کرد، باید با خودداری از ایرادگیری و کم کردن ارزش کار او، از بیان جملاتی چون: «کار مهمی انجام نداده است»، «هدیه اش ارزش چندانی هم ندارد»، «چرا چنین و چنان نکرده بود؟» و... به جدّ پرهیز کنیم و همواره چنین فکر کنیم که دوست یا خویشاوند ما آنچه در حدّ توان و قدرتش بوده، انجام داده است و اگر بیش از این هم می توانست، دریغ نمی ورزید. از این رو، بر ماست که لطف و محبتش را هر چند ناچیز، ارج نهیم.

با کمال تأسف، برخی از مردم این گونه اند که احسان دیگران را دست کم می گیرند و ارزشی برای تلاش های دیگران قائل نمی شوند و چنان متوقع و از خود راضی اند که خدمات دیگران در ترازوی آنها وزنی ندارد و همه چیز را به حساب وظیفه و عملی می گذارند که دیگری خواه ناخواه باید انجام می داد می گذارند. در مقابل، اگر خودشان کاری برای کسی انجام دهند، چنان آن را بزرگ جلوه می دهند و از آن تعریف می کنند که گویی بزرگ ترین خدمت ها را نسبت به آن فرد انجام داده اند.

به دلیل همین خصوصیت، چنین افرادی هیچ گاه از دیگران راضی نمی شوند و همواره موردی برای ایرادگیری پیدا می کنند. این خصوصیت افزون بر اینکه موجب آزردهی اطرافیان انسان می شود، برای خود شخص نیز زمینه ساز رنج و اندوه دایمی است. به فرموده امام علی علیه السلام:

مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنْ صَدِيقِهِ إِلَّا بِإِثَارِهِ عَلَى نَفْسِهِ دَامَ سَخَطُهُ. (۱)

کسی که از دوستش راضی نمی شود مگر اینکه همه چیز را به پای او بریزد، همواره در رنج و اندوه خواهد ماند.

ص: ۹۰

«يُصَدِّقُ أَقْسَامَهُ؛ سوگندهای او را تصدیق کند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه سخنانشان در زمینه تکالیف اهل ایمان نسبت به یکدیگر می فرماید مؤمنان باید بر اساس اعتماد و اطمینانی که میان آنها وجود دارد، در مواقع لزوم مؤید یکدیگر باشند و هر یک، سوگند دیگری را تصدیق کند و مورد تأیید قرار دهد.

به عبارت دیگر، باید چنان حالت اعتماد و اطمینانی میان مسلمانان نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد که قول و سخن معمولی هر یک برای دیگری در حکم سند و مدرکی قطعی و انکارناپذیر باشد و بتوانند به راحتی یکدیگر را تصدیق کنند؛ تا چه رسد به سوگند؛ چراکه در آموزه های اسلامی سوگند از جایگاه ویژه ای برخوردار است تا آنجا که در نظام قضایی اسلام بسیاری از حقوق مالی و غیرمالی با سوگند اثبات یا رد می شود. از همین رو، در روایات تأکید شده است که اولاً از سوگند خوردن بدون ضرورت، خواه صادق و خواه کاذب، خودداری کنیم و ثانیاً از سوگند خوردن به دروغ پرهیزیم؛ چرا که این عمل در حکم جنگ با خداست.

در روایتی که در این باره از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است، چنین می خوانیم:

يَا عَلِيُّ! لَا تَحْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضُرُورِهِ، وَلَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِيَمِينِكَ، (۱) فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَزِيحُكُمْ وَلَا يَزَعِي مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا. (۲)

ای علی! هرگز بدون ضرورت به نام سوگند نخور، چه به دروغ، چه به

ص: ۹۱

۱- اشاره به آیه ۲۲۴ سوره بقره: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ...» و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید».

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۷، ح.؟.

راست، و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ چرا که خداوند به کسی که به دروغ به نام او سوگند خورده است، رحم ندارد و او را حمایت نمی کند.

امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه می فرماید:

مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

هر کس [به نام خدا] سوگند بخورد، در حالی که می داند دروغ می گوید، به جنگ با خدا برخاسته است.

با توجه به آنچه گفته شد و با این فرض که مؤمن هیچ گاه به دروغ و بدون ضرورت سوگند نمی خورد، حق مؤمن بر مؤمن اقتضا می کند که اگر برادر یا خواهر ایمانی ما برای اثبات سخن خود یا رد سخن ما، سوگند خورد، قسم او را بپذیریم و با او به چون و چرا نپردازیم.

البته مسلم است که این میزان اعتماد و وثوق به راحتی حاصل نمی شود و احتیاج به این دارد که مدت زمانی نسبتاً طولانی از عمر دوستی ها و روابط میان افراد بگذرد تا به مرور زمان پس از طی مراحل مختلف دوستی و پشت سر گذاشتن امتحان ها و آزمایش های مختلف، دو نفر به طور کامل نسبت به یکدیگر اطمینان حاصل کنند. امیرالمؤمنین علی علیه السلامی فرماید:

الطَّمَأُنِينَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ إِخْتِبَارِ لَهُ عَجْزٌ. (۲)

اعتماد به هر کس پیش از آزمایش وی، نشان درماندگی است.

در جای دیگر نیز می فرماید:

لَا تَتَّقُ بِالصَّدِيقِ قَبْلَ الْخَبَرِ. (۳)

هرگز قبل از آنکه دوستت را آزمایش کنی، به او اعتماد نکن.

ص: ۹۲

۱- همان، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹، ح ۲۰۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۸۴، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۸۶، ح ۲۱.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۱۰۲۵۷.

شاعر نیز چنین می سراید:

ای بسا ابلیس آدم رو که هست

پس به هر دستی نباید داد دست

بعد از آنکه فرد در اثر گذر زمان نسبت به دوست و برادر مسلمان خود به طور کامل اطمینان حاصل کرد، باید به عنوان وظیفه ای که در مقابل او دارد، در مواردی که لازم است، او را تصدیق و تأیید کند.

## ۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی

۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی

«يُؤَالِي وَلِيَّهُ وَ لَا يُعَادِ [و يُعَادِي عَدُوَّهُ]؛ با دوستان او دوستی کند و با او به دشمنی برنخیزد [و با دشمنان او دشمنی کند]».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی، دوستان و دشمنان انسان را چنین معرفی می کند:

أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، وَ أَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ؛ فَأَصْدِقَاؤُكَ؛ صَدِيقُكَ، وَ صَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَ عَدُوُّكَ، وَ أَعْدَاؤُكَ عَدُوُّكَ، وَ عَدُوُّ صَدِيقِكَ، وَ صَدِيقُ عَدُوِّكَ. (۱)

دوستان تو سه کس و دشمنان تو نیز سه کس هستند. دوستان تو: دوست تو، و دوست دوست تو، و دشمن دشمن توست. و دشمنان تو: دشمن تو و دشمن دوست تو، و دوست دشمن توست.

بنابراین، انسان افزون بر اینکه با بعضی به طور مستقیم دوستی یا دشمنی دارد،

ص: ۹۳

با بعضی هم با واسطه و به خاطر دوست خود، دوستی یا دشمنی می ورزد.

احترام و ارزشی که ما برای دوستان قائل هستیم، حکم می کند که نه تنها با خود او، بلکه با دوستان او نیز رابطه دوستی و الفت داشته باشیم و با کسی که با او به دشمنی برخاسته است، طرح دوستی نریزیم؛ چرا که در حکم دشمنی با دوستان است. چنان که امام علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندان می فرماید:

لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ. (۱)

هرگز دشمن دوستت را به دوستی نگیر؛ که با این کار با دوستت به دشمنی برخاسته ای.

همان طور که در احادیث بر فضیلت دوستی و محبت میان برادران مسلمان تأکید شده، از دشمنی و کینه توزی در بین آنها نیز به شدت نهی شده است و اهل ایمان را از آن برحذر داشته اند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَأْنَهَيْتُ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ عَنْ مُلَاحَاهِ الرَّجَالِ. (۲)

بعد از پرستش بت ها، از هیچ چیز به اندازه دشمنی (منازعه) با مردم نهی نشده ام.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

رَأْسُ الْجَهْلِ مُعَادَاةُ النَّاسِ. (۳)

بالاترین حد نادانی، دشمنی با مردم است.

آری، «هر کس بذر دشمنی بیفشاند، جز زیان کاری و ندامت چیزی درو

ص: ۹۴

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۱، ح ۱.

۲- همان، ص ۱۴۷، ح ۵۰.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۱، ح ۵۲۴۷.

نمی کند.» (۱) ثمره کینه توزی و دشمنی با اطرافیان جز برافروختن آتش خشم و غضب و از بین بردن صفا و محبت نیست (۲) و در نهایت هم به بی آبرویی و از دست رفتن شخصیت اجتماعی انسان ختم خواهد شد. (۳)

حافظ نیز در این زمینه خوش سروده است که:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد

## ۲۸. خیرخواهی و فریادرسی

۲۸. خیرخواهی و فریادرسی

«يُضَيِّرُهُ ظَالِمًا وَ مَظْلُومًا، فَأَمَّا نُصَيْرَتُهُ ظَالِمًا فَيُرْدُهُ عَن ظُلْمِهِ وَ أَمَّا نُصَيْرَتُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى أَخْذِ حَقِّهِ؛ او را [در هر حال] یاری کند، خواه ستمگر باشد و خواه ستم دیده! اما یاری او در حالی که او ستم می کند، به این است که او را از ستم برحذر دارد و اما یاری او در حالی که او مورد ستم واقع شده، به این است که او را در گرفتن حقش یاری کند.

گفتیم که یک مسلمان نباید در هیچ حالی از برادر و خواهر مسلمان خود غافل شود، بلکه باید همواره مراقب و مواظب حال او باشد تا به مجرد پیش آمدن موقعیت های ناگوار برای او به یاری اش بشتابد و دستش را بگیرد.

روشن است که این یاری و دست گیری هم مربوط به امور دنیایی و حفظ

ص: ۹۵

۱- همان، ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۸۰۳۳: «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ».

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۶، ح ۲۲: «إِيَّاكُمْ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تُفْسِدُ الْقَلْبَ وَ تُورِثُ النِّفَاقَ». امام باقر علیه السلام.

۳- همان، ج ۷۵، ص ۲۱۱، ح ۹: «إِيَّاكَ وَ عِدَاوَةَ الرِّجَالِ فَإِنَّهَا تُورِثُ الْمَعْرَةَ وَ تُبْدِيءُ الْعَوْرَةَ». امام صادق علیه السلام

او از گرفتاری‌ها و ناملایمات این جهان می‌شود و هم ننگه داری و حفظ او از درافتادن به مصایب و رویدادهای دردناک جهان آخرت را دربرمی‌گیرد.

آنچه از مفهوم کمک و یاری به دیگران به طور معمول در ذهن ما نقش بسته، این است که در مواقع لزوم، فریادرس مظلومان و نجات دهنده آنها از چنگال ظالمان و زورگویان باشیم، در حالی که این تنها یک بعد موضوع را تشکیل می‌دهد.

از نظر اسلام، حتی آن انسانی هم که دست به ستمگری و از بین بردن حق دیگران می‌زند، سزاوار یاری و دست‌گیری است، ولی در اینجا موضوع شکل دیگری به خود می‌گیرد. مفهوم یاری در اینجا برحذر داشتن او از عواقب و نتایج سهمگین تجاوز و پای مال کردن حقوق دیگران است. به عبارت دیگر، در اینجا او را یاری می‌دهیم که به راه صحیح برگردد.

این عمل، سیره و روش انبیای عظام الهی بوده است و آنها نه تنها برای نجات محرومان و مستضعفان از چنگال مستکبران و زورگویان اقدام می‌کردند، بلکه خود را موظف می‌دانستند که به سراغ ستمگران و طغیان‌پیشگان نیز روند و آنها را پند و اندرز دهند و از عاقبت شوم ستمگری برحذر دارند.

نمونه این موضوع، جریان مقابله حضرت موسی و برادرش هارون با فرعون زمان خویش است که خداوند به ایشان امر می‌فرماید:

إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ. (۱)

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است و با او سخن نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

با توجه به مطالب یادشده، وظیفه و مسئولیت ما در برابر دوستان و

ص: ۹۶



اطرافیانمان سنگین تر می گردد و همه ما موظف می شویم که به عنوان ادای حق برادر یا خواهر مسلمانمان، او را از قدم زدن در طریق ظلم و بی عدالتی بازداریم و به او گوشزد کنیم که:

ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده

که گر تو می ندهی داد، روز دادی هست (۱)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَنْ رَأَى أَحَاهُ عَلَى أَمْرٍ يُكْرَهُهُ فَلَمْ يَرْدِّهِ عَنْهُ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَقَدْ خَانَهُ. (۲)

هر کس برادر خود را در حال ارتکاب عمل ناشایستی ببیند و با وجود قدرت بر بازداشتن او از آن عمل، برحذرش ندارد، در حقیقت، به او خیانت کرده است.

همچنین وظیفه داریم در هر کجا که دیدیم برادر مسلمانی مورد ظلم واقع شده و حش غصب گردیده است، دامن همت به کمر زنیم و در احقاق حق او تلاش کنیم و بدانیم که اگر قدمی در راه نجات محرومی و شاد کردن دردمندی برداریم، خداوند نیز این عمل ما را بی پاسخ نمی گذارد و مشکلات و گرفتاری های ما را رفع می کند. چنان که سعدی فرمود:

کام درویشان و مسکینان بده

تا همه کارت برآرد کردگار

ص: ۹۷

---

۱- سعدی.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۵، ح ۲.

«لَا يُسَلِّمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ؛ او را به حال خود وامگذارد و از یاری اش فرو گذاری نکند».

در قسمت های پیشین بحث درباره حدیث بلند و پرمحتوای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شد که ارزش دوستی ها، پیوندها و حتی خویشاوندی ها در موقعیت های حساس و استثنایی زندگی آشکار می شود و در ناملایمات و فراز و نشیب های روزگار می توان دوستان و برادران صمیمی و وفادار را از رفیقان نیمه راه و همراهان بی وفا مشخص کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

يُمْتَحَنُ الصَّدِيقُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ فَإِنْ كَانَ مُؤَاتِيًا فِيهَا فَهُوَ الصَّدِيقُ الْمُصَافِي وَإِلَّا كَانَ صَدِيقٌ رَخَاءٍ لِاصَّدِيقِ شِدَّةٍ... (۱)

دوستان خود را برای یافتن چند خصوصیت مورد آزمایش قرار دهید. پس اگر خصایص موردنظر را در ایشان یافتید، مطمئن باشید که به دوستی صمیمی و رفیقی با وفا دست یافته اید، وگرنه بدانید که آن فرد، جز در راحتی و آسایش، شما را همراهی نمی کند و به گاه سختی ها و مشکلات، شما را رها خواهد ساخت.

خصوصیات مورد نظر آن حضرت با آزمون های زیر معلوم می گردد:

تَبْتَغِي مِنْهُ مَالًا، أَوْ تَأْمَنُهُ عَلَى مَالٍ، أَوْ تُشَارِكُهُ فِي مَكْرُوهِهِ. (۲)

از او مالی درخواست کن [تا با مشاهده برخورد او با این موضوع به میزان فداکاری و از خود گذشتگی او واقف شوی]؛ مالی را بدو بسپار [تا امانت داری او بر تو معلوم گردد] و از او درخواست کن که در امر

ص: ۹۸

۱- همان، ج ۷۸، ص ۲۳۵، ح ۶۰.

۲- همان.

مشکلی تو را همراهی کند [تا بفهمی که آیا در سختی‌ها و مشکلات زندگی همراه و غم‌خوار تو خواهد بود یا خیر؟]

در حدیثی دیگر، امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرماید:

أَحْوَكَ الَّذِي لَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الشَّدَةِ، وَلَا يَغْفُلُ عَنْكَ عِنْدَ الْجَرِيرَةِ، وَلَا يَخْدَعُكَ حِينَ تَسْأَلُهُ... (۱).

برادر تو کسی است که در سختی‌ها و شداید تو را رها نکند و در تنگناها از تو غافل نباشد و اگر درخواستی از او کردی، تو را ناامید نگرداند.

و راستی چه سخت است یافتن چنین یاران یک‌دل و دوستان باوفا و چه به جا سروده است:

آن کیمیا که می‌طلبی، یار یک‌دل است

دردا که هیچ‌گه نتوان یافت، آرزوست (۲).

### ۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی

۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی

«وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ؛ آنچه از خوبی‌ها برای خود می‌پسندد، برای او هم پسندد و آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌پسندد برای او نیز پسندد».

آخرین قسمت از حدیث پربار خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله در بردارنده تمامی حقوق و وظایفی است که حضرتش به آنها اشاره کرده است و به یک بیان، عصاره تمامی فضایل اخلاقی که در روابط اجتماعی مطرح می‌گردد، در این بخش

ص: ۹۹

---

۱- همان، ج ۷۷، ص ۲۷۱، ح ۱.

۲- پروین اعتصامی.

از کلام آن حضرت جمع گردیده است.

اصلی ترین و اساسی ترین عنصری که در ایجاد روح تعاون و هم دلی در یک اجتماع مؤثر است، این است که افراد آن اجتماع تنها خود را نبینند و فقط در فکر خود نباشند، بلکه هر یک از افراد تشکیل دهنده جامعه، رفاه و آسایش خود را در رفاه و آسایش دیگران و رنج و ناراحتی خود را در رنج و ناراحتی دیگران ببینند.

پیامبر اسلام در اینجا به ملائک و معیار کلی برای شناخت مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی افراد در برابر یکدیگر اشاره فرموده است و توجه ما را به این نکته جلب می کند که اگر انسان دست از خودبینی و خودخواهی بردارد؛ به فراتر از محدوده خواست ها و تمایلات خویش نیز بیندیشد؛ همواره جامعه و انسان های پیرامون خود را نیز در نظر داشته باشد و تنها در پی رسیدن به هدف و مقصود خود نباشد؛ هرگز حاضر نخواهد شد برای رفاه و آسایش خود، راحتی دیگران را به خطر بیندازد و به بهای گرفتاری و مشقت دیگران، برای خود آرامش و آسودگی تحصیل کند.

با توجه به نکاتی که تاکنون از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله برشمردیم، به خوبی روشن می شود که تمام یا بیشتر وظایفی که آن حضرت برای اهل ایمان ذکر فرموده است، زمانی تحقق می یابد و ضمانت اجرایی پیدا می کند که همه افراد جامعه، خواه بر اساس معیارها و ملائک های دینی و اخوت و برادری ایمانی و خواه بر اساس معیارهای انسانی و ضوابطی که انسان ها به خاطر حفظ زندگی اجتماعی خود به آنها ملزم شده اند، منافع و مصالح خود را با منافع و مصالح کل جامعه تطبیق دهند. به دیگر سخن، تنها در پی جلب منافع شخصی و تحصیل مصالح فردی خود نباشند و مراقبت کنند که آنچه بر خود نمی پسندند، بر دیگران نیز روا ندارند و آنچه را خود طالب آن هستند، برای

دیگران نیز بخواهند.

تنها در این صورت است که می توان امیدوار بود همه افراد اجتماع به خوبی به وظایف و مسئولیت هایی که جامعه بر عهده آنها گذارده است، عمل کنند.

ص: ۱۰۱

امیرمؤمنان علی علیه السلام که روایت حقوق را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است، در پایان این روایت می فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِيهِ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُقْضَى لَهُ وَعَلَيْهِ.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که آن حضرت می فرمود: در روز قیامت، برادر مسلمان شما که حقی از حقوق او را ادا نکرده اید، در پیشگاه خداوند، حق خود را مطالبه می کند و خداوند نیز به نفع او و به ضرر شما حکم خواهد کرد. (۱)

دقت در این کلام کافی است که ما را در ادای حقوق دیگران و عمل کردن به وظایف و مسئولیت هایی که در قبال مردم جامعه خود داریم، جدی تر سازد و توجه ما را جلب کند که حتی اگر در این دنیا بتوانیم به بهانه هایی از زیر بار مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی خود شانه خالی کنیم یا به نحوی حقوق دیگران را پای مال کنیم، سرانجام در دادگاه عدل الهی می بایست پاسخ گو باشیم و از عهده حقی که ضایع ساخته ایم، بر آییم. مولانا نیز می فرماید:

چون که بد کردی، بترس، ایمن مباش

زانک تُخمسِت و برویاند خُداش

ص: ۱۰۲

انقلاب اسلامی ایران با احیای ارزش ها و مفاهیم بلند اسلامی و معرفی اسلام به عنوان دین اجتماع و سیاست، در عصر حاضر توانست نگرش نوینی را نسبت به کارکرد دین در جامعه به وجود آورد و آن را به صورت عنصری ارزشمند در حیات اجتماعی انسان ها در جهان مطرح سازد.

همچنان که امام راحل رحمه الله\_ به عنوان معمار انقلاب اسلامی و بنیان گذار نظامی مبتنی بر ارزش های الهی و آسمانی، در عصر حاکمیت مکاتب انسان مدار و قوانین انسان ساخته بر جهان \_ توانست با زنده کردن روح تعهد و مسئولیت پذیری اسلامی، مردم کشورمان را در میدان مبارزه با استبداد داخلی و متجاوزان خارجی، توان تازه ای بخشد. مردمی که سرنوشت خود را در گرو سرنوشت جامعه اسلامی خود می دیدند، بی محابا به مصاف گلوله ها و توپ ها رفتند و با فدا کردن خویش، کشورشان را بیمه کردند.

اینک نظام سلطه جهانی که سالیان سال با رواج فرهنگ تسامح و تساهل و اشاعه ارزش های مادی خود سعی در بیگانه ساختن مردم کشورهای زیر سلطه نسبت به ارزش های الهی و مکتبشان داشته است، خود را با فرهنگی روبه رو می بیند که می خواهد در تمام اجزای جامعه رسوخ کند و تمام باورها و رفتارهای مردم را تحت تأثیر خود قرار دهد. فرهنگی که اساس آن را مسئولیت الهی انسان نسبت به خود و جامعه تشکیل داده و درصدد است با احیای روح توحید در مردم، بنیان امت واحده جهانی را بنا نهد.

ازاین رو، نظام سلطه احساس خطر کرده و در پی چاره اندیشی برآمده است که چگونه می توان با این نگرش جدید نسبت به دین که دین را تنظیم کننده روابط اجتماعی مردم و اداره کننده سیاست جامعه می داند، به مقابله برخاست و چگونه می توان فرهنگ احیاشده مسئولیت پذیری انسان

در مقابل خدا را بار دیگر به رکود و انزوا کشانید؟

اسلام، دین باوران را در حکم یک پیکر واحد می داند که سرنوشت همه به هم گره خورده است و همه نسبت به یکدیگر در مقابل خداوند مسئولند. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، در این زمینه می فرماید:

أَلَا- كُلكُمْ رَاعٍ وَ كُلكُمْ مَسئُولٌ عَن رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسئُولٌ عَن رَعِيَّتِهِ، وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ وَ هِيَ مَسئُولَةٌ عَنْهُمْ. (۱)

ای مردم! آگاه باشید که همه شما [در حد خودتان] مسئولید و مورد بازخواست واقع می شوید. کسی که حاکم و زمام دار مردم است [در مورد رفتارش با مردم] مورد بازخواست واقع می شود؛ مردی که سرپرستی خانواده ای را بر عهده دارد، مسئول آنها بوده و باید پاسخ گوی رفتار خویش با آنان باشد و همچنین زنی که سرپرستی خانه و فرزندان شوهرش را بر عهده دارد، مسئول آنها بوده [و باید جواب گو باشد].

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در خطبه ای که در آغاز خلافت خویش ایراد فرمود، اصل فراگیر مسئولیت الهی را در جامعه اسلامی چنین ترسیم کرد:

إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ. (۲)

در حق بندگانش و بلادش از خدا بترسید؛ زیرا شما مورد پرسش قرار می گیرید، حتی در برابر زمین ها و ستوران.

قرآن کریم نیز انسان را نسبت به رفتار خود در برابر خداوند مسئول دانسته است:

ص: ۱۰۴

۱- ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح المسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۱۴۵۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۲۱۷.



إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (۱)

گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

در مقابل همه اینها، فرهنگ انسان گرای غربی که بر محور فرد و نفسانیت او است و انسان را «فعال مایشاء» می داند، چنین القا می کند که آدمی در جهت بهره وری هر چه بیشتر از لذات مادی در این جهان، رها و غیرمسئول است و نه تنها نسبت به دیگران در مقابل خداوند مسئول نیست، بلکه خود نیز در مقابل خداوند و خالق هستی مسئولیتی ندارد و تنها هواهای نفسانی و امیال شهوانی است که در این جهان تعیین کننده خطوط حرکت انسان خواهد بود.

شما خود ناظر بی اعتنایی جهان غرب نسبت به درد و رنج بی پایان انسان های مظلوم و بی پناه در چهار گوشه گیتی هستید. شاهدید که چگونه غرب وحشی، حیات و زندگی انسان ها را در معاملات دیپلماتیک خود وجه المصلحه قرار داده است و بی هیچ ترحمی به خاطر رسیدن به مقاصد سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، ملل بی دفاع را قتل عام می کند.

آری، فرهنگ اسلامی مانع بزرگی بر سر راه سردمداران سلطه جهانی است و آنها می خواهند به هر قیمت، از رشد و شکوفایی دوباره این فرهنگ جلوگیری کنند، تا شاید بتوانند با بازگرداندن دوباره ارزش های خود به جامعه ما و مشغول داشتن مردم به خواست ها و امیال فردی که تنها دربرگیرنده رفاه مادی آنهاست، حساسیت مردم را نسبت به ارزش های دینی کم کنند و روح تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی را از آنها بگیرند.

در این میان بر ماست که به منظور مقابله با این هجوم فرهنگی که ارزش های متعالی مکتب ما را هدف گرفته است، با تمام قوا به پا خیزیم و

ص: ۱۰۵

نگذاریم غبار کهنگی و فراموشی بر مفاهیم بلند انسانی \_ اسلامی این انقلاب و اهداف والای بنیان گذار آن بنشیند. بکوشیم تا آنجا که در توان داریم، از زنده شدن دوباره فرهنگ منحنط غربی که مبتنی بر بی قیدی و بی مسئولیتی انسان در مقابل خالق خود و بی اعتنایی و تعهد نداشتن او در برابر جامعه خود است، در این سرزمین جلوگیری کنیم.

امید که همه ما بتوانیم با بهره گیری از آموزه های ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، الگوی روابط اجتماعی خود را بیش از پیش اصلاح کنیم و با رعایت هر چه کامل تر حقوق مؤمنان، به آرمان تشکیل جامعه نمونه اسلامی نزدیک تر شویم.

ص: ۱۰۶

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ ج، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۴.
۲. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و دررالکلم، مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸.
۴. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، ۲۰ ج، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۵ ج، چاپ اول از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۶ ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۷. شیخ هادی تهرانی، رساله حق و حکم، تصحیح نعمت الله صفری، نامه مفید، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴.
۸. آل بحر العلوم، سید محمد، بلغه الفقیه، ج، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ ق.
۹. موسویان، سید ابوالفضل، ماهیت حق، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲.
۱۰. العاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ۲ ج، قم، مکتبه المفید.
۱۱. نهج البلاغه (امام علی بن ابی طالب ۷)، گردآوری: شریف رضی، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائب، ۱۳۸۴.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ۸ ج، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۳. حرّ العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۰ ج، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمد رازی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۹۱ ق.

۱۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه همراه با ترجمه فارسی، ۱۵ ج، مترجم: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹. S.

۱۵. المتقی الهندی، علاءالدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۱۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و آثار، ۸ ج، چاپ اول، قم، دارالاسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ق.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ۲۰ ج، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.

۱۸. طبرسی، ابوعلی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج در ۵ جلد، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.

۱۹. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، محمدهادی به، به اشراف جعفر سبحانی، قم، اسوه، ۱۴۱۳ق.

۲۱. مازندرانی، ولی محمدصالح، شرح اصول کافی، ۱۲ جلد، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران، مکتبه الصدوق، ۱ق.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله)، ترجمه، عباس عزیزی، چاپ هشتم، قم، صلاه، ۱۳۸۵.

۲۴. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر و دار بیروت، ۱ق.

۲۵. مسلم بن الحجاج، ابوالحسین، صحیح المسلم، بشرح النووی، ۱۸ ج در ۹ جلد، چاپ چهارم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

